

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۹۵

جمعه ۳۰ آبان ۱۳۹۹، ۲۰ نوامبر ۲۰۲۰

نگاهی به وضعیت سیاسی جمهوری اسلامی

متن تنظیم شده مصاحبه با

حمید تقوایی در کانال جدید

خلیل کیوان: طی یکسال گذشته حوادث و اتفاقات متعددی در ایران و جهان رخ داده است که فضای سیاسی را برای اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی تنگ تر کرده است. عکس العمل های گسترده در ایران و جهان نسبت به کشتار معترضین آبان، اعتراضات به شلیک عمدی به هواپیمای اوکرائینی و عملکرد بغایت غیر مسئولانه و ضد انسانی جمهوری اسلامی در بحران کرونا، مقابله مردم در لبنان و عراق با جمهوری اسلامی، عکس العمل کشورهای اروپایی به ترورهای اخیر جمهوری اسلامی و همچنین ترورهایی که توسط اسلام سیاسی در اروپا رخ داده است از جمله این موارد است. در این مورد با حمید تقوایی گفتگو میکنیم. امنستی در عکس العمل به کشتار آبان جمهوری اسلامی را "تابودگر انسانیت" خواند. این سازمان سابتی با یک صد ویدئو در مورد جنایات آبانماه راه اندازی کرده است. سازمان ملل و برخی دولت های اروپایی نسبت به کشتار آبان واکنش نشان داده اند. دادگاهی در لاهه برای رسیدگی به جنایات جمهوری اسلامی تشکیل میشود. دادستانی اوکراین اعلام کرد شلیک به هواپیما عمدی بوده است. کمپین هایی برای تحریم سیاسی، فرهنگی و ورزشی ایران در جریان است. آیا رویکرد تازه ای در مقابل جمهوری اسلامی در حال شکلگیری است و یا شکل گرفته است؟ علت این رویکرد تازه چیست؟

حمید تقوایی: به نظر من رخدادهایی که اشاره کردید را میتوان دستاوردهای خیزش آبان دانست. جمهوری اسلامی با شلیک به مردم و با کشتار به اعتراضات مردم برخورد کرد و آنرا فرونشاند ولی آن جنبش از تاریخ حذف نشد. نتایج و دستاوردهای خیزش آبان، از جمله همین نکاتی که شما اشاره کردید، را امروز مشاهده میکنیم. اگر دولتها و یا سازمانهایی نظیر امنستی و سازمان ملل و غیره مواضع تند تر و تعرضی تری در قبال جمهوری اسلامی اتخاذ کرده اند این نتیجه حرکت اعتراضی گسترده مردم در آبان تا اسفند ۹۸ است. بعد از اتفاقات آبان جمهوری اسلامی بیش از پیش در جهان رسوا شد. شلیک به مردمی که به سه برابر شدن یک شبه قیمت بنزین اعتراض داشتند، تا شلیک عمدانه به هواپیمای مسافربری که امروز دیگر حتی دولت اوکراین هم رسماً اعلام کرده است که این جنایت عمدانه بوده است - یعنی جمهوری اسلامی مثل سازمانهای



آبان ادامه دارد...

طرح حمایت از کودکان کار، یا طرح مبارزه با کودکان کار؟!؟

صفحه ۳

سیامک بهاری

همکاری فعال ساواکیها با جمهوری اسلامی

صفحه ۴

کاظم نیکخواه

۲۵ نوامبر و بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی

صفحه ۵

گزارشی تلخیصی از میزگرد تلویزیون کانال جدید!

مراسمی که پیامش دادخواهی، مبارزه و همبستگی بود

صفحه ۶

پریسا پوینده

بیانیهی کانون نویسندگان ایران به

صفحه ۷

مناسبت سالگرد اعتراضات مردمی آبان ۹۸

۱۰، ۷

از مدیای اجتماعی حزب

۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱

اطلاعیه ها

۱- دادستان کل اوکراین نیز عمدی بودن شلیک به هواپیما را تایید کرد!

۲- زمان محاکمه علنی جانین و قاتلان مردم در ایران نزدیک است!

۳- صدای معترضین آبانماه و دادخواهی خانواده ها توجه جامعه بین الملل را به همراه دارد!

۴- تلخیصی از اطلاعیه های خبری حزب

۵- محاکمه مجدد سپیده قلیان در زندان

۶- حمایت کمپین برای آزادی کارگران زندانی از تشکیل دادگاه

برای رسیدگی به پرونده «قتل عام آبان ۹۸»

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

نگاهی به وضعیت سیاسی جمهوری اسلامی



تروریستی که هوایما ربانی میکنند و هوایما منفجر میکنند به یک اقدام نقشه مند تروریستی دست زده است- تا دستگیریها و شکنجه ها و احکام اعدام علیه معترضین آبان و دی ماه، اینها همه به یمن اعتراضات و مبارزات مردم در برابر چشم جهانیان قرار گرفت. و این حرکت هنوز زنده است. در یکسال گذشته فعالین جنبش دادخواهی و خانواده های قربانیان آبان ماه و فاجعه سقوط هوایما و همچنین خانواده های زندانیان سیاسی و عزیزی که اعدام شده اند یا حکم اعدام گرفته اند، به جنبشی شکل داده اند که حرکت آبان را زنده نگاهداشته است و اجازه نداده است جهانیان خیزش مردم ایران و جنایات وحشیانه حکومت علیه مردم را فراموش کنند.

برخورد تند تر و قاطع دولتها و سازمانهای بین المللی و غیره به جمهوری اسلامی بازتاب این حرکت است. البته توقع و انتظار مردم بسیار بیش از این است. مردم خواهان آن هستند که جمهوری اسلامی نه بعنوان حکومت نماینده آنها بلکه بعنوان قاتل مردم ایران برسیم شناخته شود. خواهان آن هستند که جمهوری اسلامی از سازمانهای جهانی اخراج بشود، دولتها روابط دیپلماتیک خود را با آن قطع کنند و سران حکومت به جرم جنایت علیه بشریت تحت پیگرد قرار بگیرند و به محاکمه کشیده بشوند. هنوز هیچ دولتی چنین سیاستی را اتخاذ نکرده است. ولی حرکتی که شروع شده را میتوان اولین گامها در این جهت دانست. باید این حرکت را بمدد اعتراضات مردم و سازمانهای چپ و نیروهای آزادیخواه و کلا افکار عمومی در کشورهای

تروریستی که هوایما ربانی میکنند و هوایما منفجر میکنند به یک اقدام نقشه مند تروریستی دست زده است- تا دستگیریها و شکنجه ها و احکام اعدام علیه معترضین آبان و دی ماه، اینها همه به یمن اعتراضات و مبارزات مردم در برابر چشم جهانیان خیزش مردم ایران و جنایات وحشیانه حکومت علیه مردم را فراموش کنند.

تروریستی که هوایما ربانی میکنند و هوایما منفجر میکنند به یک اقدام نقشه مند تروریستی دست زده است- تا دستگیریها و شکنجه ها و احکام اعدام علیه معترضین آبان و دی ماه، اینها همه به یمن اعتراضات و مبارزات مردم در برابر چشم جهانیان قرار گرفت. و این حرکت هنوز زنده است. در یکسال گذشته فعالین جنبش دادخواهی و خانواده های قربانیان آبان ماه و فاجعه سقوط هوایما و همچنین خانواده های زندانیان سیاسی و عزیزی که اعدام شده اند یا حکم اعدام گرفته اند، به جنبشی شکل داده اند که حرکت آبان را زنده نگاهداشته است و اجازه نداده است جهانیان خیزش مردم ایران و جنایات وحشیانه حکومت علیه مردم را فراموش کنند.

برخورد تند تر و قاطع دولتها و سازمانهای بین المللی و غیره به جمهوری اسلامی بازتاب این حرکت است. البته توقع و انتظار مردم بسیار بیش از این است. مردم خواهان آن هستند که جمهوری اسلامی نه بعنوان حکومت نماینده آنها بلکه بعنوان قاتل مردم ایران برسیم شناخته شود. خواهان آن هستند که جمهوری اسلامی از سازمانهای جهانی اخراج بشود، دولتها روابط دیپلماتیک خود را با آن قطع کنند و سران حکومت به جرم جنایت علیه بشریت تحت پیگرد قرار بگیرند و به محاکمه کشیده بشوند. هنوز هیچ دولتی چنین سیاستی را اتخاذ نکرده است. ولی حرکتی که شروع شده را میتوان اولین گامها در این جهت دانست. باید این حرکت را بمدد اعتراضات مردم و سازمانهای چپ و نیروهای آزادیخواه و کلا افکار عمومی در کشورهای

تروریستی که هوایما ربانی میکنند و هوایما منفجر میکنند به یک اقدام نقشه مند تروریستی دست زده است- تا دستگیریها و شکنجه ها و احکام اعدام علیه معترضین آبان و دی ماه، اینها همه به یمن اعتراضات و مبارزات مردم در برابر چشم جهانیان خیزش مردم ایران و جنایات وحشیانه حکومت علیه مردم را فراموش کنند.

تروریستی که هوایما ربانی میکنند و هوایما منفجر میکنند به یک اقدام نقشه مند تروریستی دست زده است- تا دستگیریها و شکنجه ها و احکام اعدام علیه معترضین آبان و دی ماه، اینها همه به یمن اعتراضات و مبارزات مردم در برابر چشم جهانیان قرار گرفت. و این حرکت هنوز زنده است. در یکسال گذشته فعالین جنبش دادخواهی و خانواده های قربانیان آبان ماه و فاجعه سقوط هوایما و همچنین خانواده های زندانیان سیاسی و عزیزی که اعدام شده اند یا حکم اعدام گرفته اند، به جنبشی شکل داده اند که حرکت آبان را زنده نگاهداشته است و اجازه نداده است جهانیان خیزش مردم ایران و جنایات وحشیانه حکومت علیه مردم را فراموش کنند.

تروریستی که هوایما ربانی میکنند و هوایما منفجر میکنند به یک اقدام نقشه مند تروریستی دست زده است- تا دستگیریها و شکنجه ها و احکام اعدام علیه معترضین آبان و دی ماه، اینها همه به یمن اعتراضات و مبارزات مردم در برابر چشم جهانیان قرار گرفت. و این حرکت هنوز زنده است. در یکسال گذشته فعالین جنبش دادخواهی و خانواده های قربانیان آبان ماه و فاجعه سقوط هوایما و همچنین خانواده های زندانیان سیاسی و عزیزی که اعدام شده اند یا حکم اعدام گرفته اند، به جنبشی شکل داده اند که حرکت آبان را زنده نگاهداشته است و اجازه نداده است جهانیان خیزش مردم ایران و جنایات وحشیانه حکومت علیه مردم را فراموش کنند.

تروریستی که هوایما ربانی میکنند و هوایما منفجر میکنند به یک اقدام نقشه مند تروریستی دست زده است- تا دستگیریها و شکنجه ها و احکام اعدام علیه معترضین آبان و دی ماه، اینها همه به یمن اعتراضات و مبارزات مردم در برابر چشم جهانیان قرار گرفت. و این حرکت هنوز زنده است. در یکسال گذشته فعالین جنبش دادخواهی و خانواده های قربانیان آبان ماه و فاجعه سقوط هوایما و همچنین خانواده های زندانیان سیاسی و عزیزی که اعدام شده اند یا حکم اعدام گرفته اند، به جنبشی شکل داده اند که حرکت آبان را زنده نگاهداشته است و اجازه نداده است جهانیان خیزش مردم ایران و جنایات وحشیانه حکومت علیه مردم را فراموش کنند.

سرنگون باد حکومت چپاول و جنایت اسلامی

DOWN WITH THE ISLAMIC REGIME OF IRAN

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

دندگاههای شریعه به راه بیانازند و غیره. این اقدامات بوده و هنوز هم هست ولی ادامه این سیاستها برای دول اروپائی هر روز مشکل تر میشود. وقتی وحشیگری نیروها و دولتهای جمهوری اسلامی جنایات جمهوری اسلامی چنین آشکار و عریان در برابر چشم جهانیان قرار میگیرد طبعا دیگر دولتهای اروپائی نمیتوانند مانند گذشته با اعضاء و ماماشات با دولتها و نیروهای اسلامی برخورد کنند.

نکته دیگر اینست که همانطور که شما هم اشاره کردید کلا اسلام سیاسی زاده دست خود این دولتها است. چه شاخه طالبان و چه شاخه جمهوری اسلامی هر دو به نحوی حاصل سیاستهای دول غربی در چهار دهه قبل بودند. در ایران در مقابل انقلاب ۵۷ و در هراس از اینکه ایران بعد از سقوط شاه چپ و رادیکال شود و در افغانستان در مقابل شوروی که آن زمان افغانستان را تحت نفوذ خود داشت، به

نیروهای اسلامی پرو بال دادند و آنها را به جلو راندند. این را امروز دیگر خود مقامات غربی رسماً اعلم کرده اند. هیلاری کلینتون در کتابی که در زمانی که وزیر امور خارجه دولت اوباما بود منتشر کرد و اخیراً هم جیمی کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا در یک مصاحبه، صریحاً توضیح میدهند که چطور جریانات اسلام سیاسی و مشخصاً خمینی در ایران و طالبان در افغانستان را برای "دفاع از منافع آمریکا" جلو راندند و تقویت کردند امروز اسلام سیاسی وبال گردن خودشان شده است. اما حتی امروز هم مشکل این دولتها تروریسم نیروهای اسلامی و رژیم هائی مثل جمهوری اسلامی در خود کشورهای اسلامزده نیست. چشمشان را بر جنایات "داخلی" این نیروها بسته اند. حداکثر

جنایات آنها ماماشات کردند. اما به نظر میرسد چرخشهایی صورت گرفته و چشم دولتها به جنایت جمهوری اسلامی باز تر شده است. دولتهای اروپائی اخیراً جنایت حکومت را محکوم کردند و دست به اقداماتی زدند از جمله از پذیرش ظریف که قرار بود سفری به اروپا داشته باشد خودداری کردند. همچنین ترورهائی که اخیراً از جانب نیروهای اسلامی در فرانسه و اتریش و غیره صورت گرفته باعث شده است دولتها عکس العمل شدیدتری نسبت به جریانات اسلامی و جمهوری اسلامی از خود نشان بدهند. بطور مشخص در اتریش و فرانسه قوانینی علیه نیروهای اسلامی وضع کرده اند و همچنین از نظر آموزشی و فرهنگی و امنیتی اقداماتی علیه اسلامیهتها در دستور قرار داده اند. آیا کشورهای غربی وارد یک فاز جدید در رویارویی با اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی شده اند؟

حمید تقوایی: روشن است که برخورد دولتهای غربی به جمهوری اسلامی شدید تر و تعرضی تر شده است. بخصوص وقتی که دامنه ترورها به خود کشورهای اروپائی کشیده میشود طبعا دولتها دیگر نمیتوانند رویشان را برگردانند و همچنان به سیاستهای ماماشات جوانه شان ادامه بدهند. این ماماشات جوئی تا آنجا پیش رفته است که این دولتها حتی به جریانات اسلامی به نظر خودشان خوش خیم در کشورهای اروپائی کمک میکنند، تحت عنوان "نسبیت فرهنگی" چشم شان را به قتلهای ناموسی میبندند، به مسجد سازی بودجه تخصیص میدهند و حتی در کشورهایی تلاش کردند قوانین اسلامی را برای مسائل خانوادگی مردم گریخته از کشورهای اسلامزده جاری کنند و



نظیری عوامفریبی کرده است. حکومتی که خود عامدانه و آگاهانه اسباب استثمار و حشبانه از نیروی کار کودکان را فراهم کرده است و کارگران ارزان خردسال را به بازار کار بیرحم سرمایه هدیه داده است و به حق انگشت اتهام به سمت خود حکومت دراز است، برای تداوم سیاست‌های کودک ستیزانه به انواع فریبکاری و توجیه و وارونه کردن اصل موضوع و فرافکنی مشغول است. هم نیروی کار ارزان کودک را به خدمت می‌گیرد و هم می‌خواهد این بهره‌کشی بغایت ضد انسانی را با "جمع‌آوری کودکان کار و خیابان" از دید جامعه پنهان کند و خانواده‌های آسیب دیده آنان را مقصر جلوه دهد. تلاشی که عملاً به زیر زمینی شدن کار کودکان انجامیده است.

جمهوری اسلامی ۱۵ سال مداوم بر طبل طرح به غایت ضد کودک "سامان‌دهی کودکان کار و خیابان" کوبید و حاصل آن چیزی جز تعقیب و گریز و دستگیری و حبس کودکان کار و خیابان و در نهایت انبوهی میلیونی از کودکان خردسالی است که دیگر نمی‌شود "جمعشان" کرد، و از دید جامعه پنهانشان کرد روی دست جامعه فقر زده مانده است.

سازمان بهزیستی متولی درجه اول کودکان کار و خیابان است. ۱۵ سال این بازوی به اصطلاح اجتماعی جمهوری اسلامی با طرح ساماندهی به جان کودکان کار افتاد. ۱۷ نهاد لشگری و کشوری به ترتیب ایفای نقش؛ با مشارکت سازمان بهزیستی، شهرداری، فرمانداری، استانداری، آموزش و پرورش، قوه قضائیه، نیروی انتظامی، بیمه خدمات درمانی، بیمه تأمین اجتماعی، تعاون و رفاه اجتماعی، بهداشت و درمان، هلال احمر، صدا و سیما، وزارت کشور، اداره اتباع خارجی و... دست در دست هم گذاشتند تا پدیده کودکان کار و خیابان را از دید جامعه محو کنند. برای

طرح حمایت از کودکان کار، یا طرح مبارزه با کودکان کار؟

سیامک بهاری



بارزی از بی‌حقوقی و بی‌پناهی کودکان و زندگی ناامن کودکان در ایران است. قانون جدید حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان که پس از قریب به ده سال خاک خوردن در کشورهای مجلس و شورای نگهبان تصویب شد، قرار است دفاع از حق کودک را جاری کند اما در اولین قدم طرح مبهم و پر از تناقض و عملاً ضد کودک به اصطلاح "حمایت اجتماعی از کودکان کار" را روی دست جامعه می‌گذارد.

جامعه در دادخواهی برای حق کودکان جواب می‌خواهد! چرا کودکان به نان‌آوران خانواده بدل می‌شوند؟ کار حرفه‌ای کودکان را چگونه باید متوقف کرد؟ کارگران خردسال را چگونه باید از دهان اژدهای بیرحم بازار کار بیرون کشید و به کودکی و زندگی ایمن، به درس و مدرسه بازگرداند؟! تکلیف بیش از هفت میلیون و نیم کودک کار و از جمله چندین هزاران کودک زباله گرد که در استخدام پیمانکاران شهرداری‌ها هستند و یک میلیون کودکی که به جرم مهاجر و اتباع بیگانه خوانده شدن، بی هویت و بی شناسنامه به حال خود رها شده‌اند چیست؟!

طرح‌های عوامفریبانه برای تثبیت کار کودکان

جمهوری اسلامی برای گریز از پاسخ، و تداوم استفاده از نیروی کار کودکان، با شیادی کم

اینجا ایران است، اینجا جمهوری اسلامی حکومت می‌کند، اینجا نیروی کار کودک را همراه با کودکی می‌خرند و می‌فروشند. اینجا فقر و فلاکت تنوره می‌کشد و جنون می‌آفریند. فاجعه نه زیر پوست شهر، که بر فرق سر جامعه در جولان است. از چهارراه‌های پر خطر در خیابان و دخمه‌ها و بی‌غول‌های کار سر بیرون می‌کند، سن و سال فروش نیروی کار مدام پائین‌تر می‌رود. رشته و عرصه‌های نیست که در آن کودک را به کار نکشیده باشند. کودکی‌های ناتمام، قد می‌کشند و بر وجدان آگاه جامعه چنگ می‌اندازند. پدیده‌ای که اساساً حاصل فقر و مشقات تحمیل شده بر جامعه و بی‌پناهی و بی‌حقوقی کودکان است. بی‌آنکه دستی به ریشه برده شود، و دردی درمان شده باشد، بی‌آنکه حتی بصورت محدود تخفیف یافته و موقتاً کاهش پیدا کرده باشد، کار حرفه‌ای کودکان همه گیرتر شده و چالشی بزرگ در مقابل جامعه قرار داده است.

در تمام عمر پرنکبت حکومت اسلامی، رویارویی با کودکان کار و فعالین و مدافعین خاتمه دادن به کار حرفه‌ای کودکان، قهرآمیز و توأم با خشونت سازمان یافته پلیسی و امنیتی بوده است. گویی کودکان کار مجرمانی حرفه‌ای هستند که بدون مجوز میدانها و چهارراه‌های شهرها را از زیبایی می‌اندازند. پدیده کودکان کار و خیابان نمود

شهر ۱۰ کودک دستگیر شده در زیرزمین اداره بهزیستی زندانی شدند که با کمک مردم رهایی یافتند. بعدتر جسد چهار کودک کار در کانال‌های کشاورزی اطراف شاهین شهر کشف گردید. ده‌ها فیلم و کلیپ از خشونت‌های سازمان یافته در دستگیری کودکان در مדיای اجتماعی دست به دست می‌شود. مشخص است که این طرح مبارزه با کودکان کار است، نه مبارزه با کار کودکان! به بن بست رسیدن این طرح از ابتدا مسجل بود. ده‌ها رشته سمینار، سخنرانی، جلسات و هشدار از جانب نهادهای واقعی مدافع کودکان کار، عاقبت این طرح را هشدار دادند. تأکید کردند که این روش، آسیب‌های اجتماعی بر کودکان و خانواده‌های آنان را بشدت افزایش می‌دهد. حتی از در آمد و دستمزدهای ناچیز آنان می‌کاهد و به جیب سرمایه داران و پیمانکاران شهرداری‌ها سرازیر می‌کند.

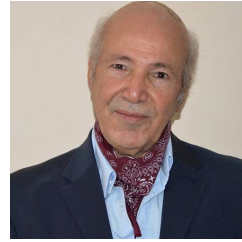
از دید این طرح و سازمان بهزیستی، کودکان خردسال دستفروش، مجرمینی هستند که به زیبایی شهر آسیب می‌زنند. همه این میلیونها کودک اعضای باندهای مافیایی تکدی‌گری و غیره هستند. همین بهزیستی، سیاه روی سفید اعلام کرد؛ برآوردهای این سازمان نشان می‌دهد کودکان آواره در خیابانها بشدت در معرض آسیب‌های جنسی و روانی هستند. در کمتر از

هر کدام وظیفه‌ای را تعیین کردند و به همراه انجمن "حامی" و "کلینیک آوی باران"، دو نهاد دست ساز حکومتی، با خشونت غیرقابل باوری به شکار کودکان کار و خیابان رفتند. در تهران و حومه چند مرکز "جمع‌آوری" ایجاد شد. از جمله در مرکز «پاسر» و «بعثت» که ظرفیت حداکثر ۳۵ کودک داشت، ۱۹۰ کودک دستگیر شده را جا دادند. شدت خشونت و بیرفتماری با کودکان دستگیر شده و سرگردانی آنها پس از بازداشت، اعتراض وسیعی را دامن زد. هویت سازی غیر ایرانی اساساً بخشی از کارکرد سیاست‌های عمیقاً فاشیستی و نژادپرستانه خود حکومت و غیر خودی و بیگانه انگاری حقوق جهانشمول کودکان است. ایرانی یا غیرایرانی بودن کودکان کار بخشی از توجیه و لاپوشانی این "جمع‌آوری‌ها" است. صدها کودک به جرم افغانستانی بودن از پایانه‌های مرزی پر خطر اخراج و به حال خود در بیابانها رها شدند. کار حرفه‌ای کودکان، کودک را در محیط ناامن و با خطرات ناگوار و آسیب‌های غیرقابل جبران روبرو می‌کند و باید متوقف شود.

با اجرای طرح به اصطلاح سامان‌دهی، دستگیری وسیع و خشونت‌بار کودکان کار در سراسر کشور از همه سو شروع و ادامه پیدا می‌کند. در هر گوشه‌ای فاجعه‌ای خلق می‌شود. همین اواخر در شهریور ماه، در شاهین

همکاری فعال ساواکیها با جمهوری اسلامی

کاظم نیکخواه



از همان اوآن به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی اخبار و شواهد و گزارشهای زیادی در مورد به کار گرفتن ساواکیها و درباریها در دستگاههای اطلاعاتی جمهوری اسلامی دهان به دهان میگشت. هیچ تردیدی وجود نداشت که ماموران رده های مختلف ساواک با جمهوری اسلامی فعالانه همکاری میکنند و جمهوری اسلامی ساواکیها را برای سازماندهی نیروی اطلاعات و سرکوب و جاسوسی خود و کنترل و تعقیب و حتی ترور مخالفینش به استخدام خود در آورده است. شناخته ترین چهره ساواک ارتشبد حسین فردوست قائم مقام ساواک و رئیس دفتر ویژه اطلاعات شاه، و رئیس سازمان بازرسی شاهنشاهی و دوست دوران کودکی و جوانی محمد رضا شاه بود و بعدا گفته میشود که مستقیما به خدمت جمهوری اسلامی در آمد و تا آخر عمر هم در ایران زندگی میکرد. گزارشاتی در مورد همکاری ارتشبد قره باغی فرمانده نیروهای زمینی شاه با نیروهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی نیز وجود دارد. هزاران نمونه و فاکت دیگر هم طی سالهای اخیر از استخدام ساواکیها و وابستگان دربار در دستگاه جاسوسی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی افشا شده است. اخیرا بی بی سی نیز گزارش مفصلی تحت عنوان "نقش ساواک و ک گ ب در تولد نهادهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی" منتشر کرده است که اطلاعات مفیدی در این زمینه دارد. گزارش اخیر بی بی سی که به تاریخ ۲۵ آبان امسال منتشر شده، شاید اطلاعات تازه ای نداشته باشد. اما اهمیت آن

(ضد جاسوسی) به کار بازگشتند و حتی پس از استعفای دولت موقت کار خود را ادامه دادند. کارمندان ساواک در سالهای بعد، تحت نام "شرکتیها" و گاهی در مراکز مستقل، به کار با دفتر تحقیقات نخستوزیری و سپس وزارت اطلاعات ادامه دادند. در تمام این سالها، حسین فردوست یکی اصلیترین چهرههای امنیتی در دوران سلطنت محمدرضا شاه نیز با نیروهای امنیتی ایران همکاری می کرد. علاوه بر بخش ضد جاسوسی هزاران تن از ماموران ساواک در بخشهای دیگر از جمله اداره سوم ساواک که مقتدرترین اداره ساواک بود و مامور کنترل "عناصر ضد نظام سلطنتی" بود نیز به استخدام اطلاعات جمهوری اسلامی در آمدند و کمک کردند که جمهوری اسلامی بتواند خیلی سریع نیروی سرکوب و تعقیب و مراقبت و ترورش را سازمان دهد و به جان مخالفین بیندازد.

اتحاد قدیمی و استراتژیک

شاید همکاری ساواکیها با جمهوری اسلامی امر غریبی بنظر برسد. زیرا خمینی و آخوندها ظاهرا دشمن خونی حکومت شاه بوده اند و نهایتا به سرنگونی آن کمک کردند. اما حقایق عکس این را نشان میدهند. رابطه نزدیک ساواک و آخوندها و جنبش اسلامی قدیمی تر از انقلاب ۵۷ است. در دوران دیکتاتوری پهلوی شمار زیادی از آخوندها و عناصر و سران جریانهای اسلامی با ساواک علیه مخالفین شاه همکاری میکردند و در استخدام ساواک بودند. تهرانی شکنجه گر معروف ساواک در مصاحبه ای که بعد از انقلاب ۵۷ انجام داد گفته است که همه آخوندها با ساواک همکاری میکردند. اینکه این گفته چقدر حقیقت داشته باشد روشن نیست. چونکه دار دسته خمینی بلافاصله بعد از قدرت رسیدن، تمام اسناد مربوط به همکاری آخوندها با

وسط خیابان آورد و خمینی با توطئه بر این جنبش سوار شد و مسیر انقلاب را از رهایی از دیکتاتوری و فقر به سوی سلطه اسلام منحرف کرد و نتیجه این گندابی شد که شاهدیم.

بر این اساس بهیچ وجه عجیب نیست که تیمساران و مدیران و سران ارتش ساواک فوراً در تحکیم حکومت اسلامی فعالانه تلاش میکنند. همکاری آنها صرفاً از سر نجات جان و ثروتهایشان نبود و نیست. بلکه یک اتحاد پایه ای و ایدئولوژیک میان داری در حیطه سیستم سرمایه داری و چپاولگر و متکی به فوق سود و علیه کارگران و مردم وجود دارد. خصومت ساواکیها و کلا جنبش سلطنت طلبی و همچنین اسلامی ها با کمونیسم و کارگر و آزادیخواهی یک امر پایه ای و هویتی هردو آنهاست. از جنبه های دیگری نیز میتوان اشتراک منافع جنبش اسلامی و جنبش ناسیونالیستی و سلطنت طلبی را نشان داد.

در گزارش بی بی سی به همکاری سازمانهای ضد اطلاعاتی ک گ ب و آلمان غربی با جمهوری اسلامی نیز اشاره میشود. این نیز کاملاً قابل فهم است. در واقع با سرنگونی حکومت شاه قدرتهای مختلف جهانی در تلاش بودند که خلاء ناشی از خروج آمریکا از صحنه سیاسی و اقتصادی ایران را پر کنند. و فی الواقع هم روسیه و هم آلمان توانستند بدرجه زیادی جای پای خود را در جمهوری اسلامی تحکم کنند و هم از نظر دیپلماتیک و هم از نظر اقتصادی از شرایط جدید و از حکومت اسلامی بهره مند شوند.

جمهوری اسلامی اسناد همکاری آخوندها و اسلامی ها با ساواک و دربار را از بین برده است اما شواهد و فاکتها از همکاری متقابل این دو جریان آنچنان فراوان است که قابل انکار نیست و هر روز گوشه ای از فاکتها از اینجا و آنجا بیرون میزند و گنداب نظام های دیکتاتوری و چپاولگر را جلوی چشم مردم میگذارد.*

برای برپائی و ساختن جامعه ای شاد و مرفه به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید.



ایم. لازم است اضافه کنم که ما از زنان و مردان و سازمان‌ها درخواست کردیم برای حمایت این نامه را امضا کنند که تا به حال خیلی‌ها پاسخ مثبت داده و امضا کرده‌اند. هدف اصلی ما این است که بگوئیم جمهوری اسلامی را باید بایکوت سیاسی کرد بخاطر اینکه حکومت آپارتاید جنسی است."

۲۵ نوامبر و بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی

گزارشی تلخیصی از میزگرد تلویزیون کانال جدید!



بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی چگونه؟

موضوع میزگردی بود در تلویزیون کانال جدید با شرکت مینا احدی و بهرام سروش. سوال محوری این بود که جمهوری اسلامی را چگونه میشود همه جانبه در نظر عمومی، در میان کشورها و دولت‌ها منزوی کرد، بایکوت کرد و تأثیر این بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی در ایران و در رابطه با مبارزات مردم و برای سرنگونی جمهوری اسلامی چه خواهد بود؟

از مینا احدی فعل در زمینه افشا و مبارزه با جمهوری اسلامی و واقع فعال بایکوت جمهوری اسلامی سوال شد، شما یک بیانیه مهم را همراه با بیست شخصیت هنرمند، نویسندگان و کارگردان زن امضا کردید برای روز جهانی خشونت بر زنان و این را به بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی ربط داده اید در همین رابطه و در ابتدا در رابطه با همین بیانیه توضیح دهید چه اقدامی حول همین بیانیه می‌خواهید انجام دهید؟

مینا احدی: در جواب به این سوال با اشاره به ۲۵ نوامبر که روز جهانی اعتراض علیه خشونت بر زنان است گفت، "ما مثل حزب کمونیست کارگری ایران از مدت‌ها پیش بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی را مطرح کردیم که به نظر من یکی از پایه‌های اساسی سرنگونی رژیم اسلامی است."

در کشورهای مختلف ما سعی می‌کنیم که با دولت‌ها تماس بگیریم و آنها را تحت فشار قرار دهیم و افکار عمومی را تشویق کنیم که با دولت خود تماس بگیرند و کاری کنند تا دولت‌هایشان روابط سیاسی خود را با جمهوری اسلامی قطع کنند، سفارتخانه‌هایشان را ببندند و مقامات حکومتی را از همه جا بیرون کنند. این بحثی است که نه فقط در عرصه نوشتاری بلکه بطور عملی دارد اتفاق می‌افتد بخصوص بعد از اعدام

نوید افکاری که این بحث خیلی شدید و وسیع مطرح گشت. ما از پارسال تعداد زیادی از زنان فعال در آلمان، چه آلمانی، چه ایرانی و غیره که در کشور آلمان زندگی می‌کنند همه با هم یک بیانیه دادیم خطاب به دولت آلمان و خواستار این شدیم که سیاستشان را در رابطه با جمهوری اسلامی عوض کنند به خاطر اینکه این حکومت، حکومت آپارتاید جنسی است. آن موقع ما کنفرانس مطبوعاتی گذاشتیم که انعکاس بسیار خوبی داشت در ادامه آن موضوع الان به مناسبت ۲۵ نوامبر روز جهانی اعتراض به خشونت علیه زنان یک بیانیه نوشتیم و فرستادیم برای سازمان‌ها و شخصیت‌ها و اساساً به خاطر اینکه مسئله زنان و فوکوس روی آپارتاید جنسی در ایران و اسلام در کشورهای اسلام زده، ما می‌خواهیم که علیه این موضوع به میدان آیند و تا حالا ۲۳ نفر شده ایم از زنانی که شخصیت‌های مهمی در عرصه حقوق زنان هستند مانند خانم شرودر نویسنده و استاد دانشگاه و یا شخصیت‌های دیگری که بعضاً خبرنگار یا فیلمساز هستند در این سطح این نامه امضا شده و قرار است ۲۳ نوامبر علنی شود. یعنی برای همه رسانه‌ها فرستاده شود در عین حال ۲۵ نوامبر ما یک کنفرانس خواهیم داشت که ۶ نفر سخنران از شخصیت‌های سرشناس دعوت کرده

بهرام سروش: در مورد عرصه‌های مختلف دیگری که حزب کمونیست کارگری بر آن فوکوس و تمرکز دارد تا جمهوری اسلامی را به انزوا بکشاند و خواهان بایکوت جمهوری اسلامی شود و اینکه این فعالیت‌ها چه هستند و چگونه انجام می‌پذیرند چنین توضیح داد: "مهم‌ترین عرصه‌ای که مینا احدی هم اشاره کرد بایکوت جمهوری اسلامی است اما در کنار این باید به مجموعه دیگری از بایکوت‌ها اشاره کرد که زیر چتر بایکوت سیاسی رژیم قرار می‌گیرند مانند بایکوت تسلیحاتی-نظامی، بایکوت هنری و ورزشی. معنی ساده بایکوت سیاسی یعنی جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست و نه تنها این حکومت نماینده مردم ایران نیست بلکه قاتل مردم است. برای بقا و زنده ماندنش فقط می‌کشد. هیچ برنامه و پلاتفرمی برای آینده مانند یک حکومت متعارف ندارد و تلاش ما برای فشار آوردن به دولت‌ها این است که وارد رابطه متعارف با این رژیم نشوند. باید این حکومت را از سازمان ملل، سازمان جهانی و دیگر نهادهای بین‌المللی اخراج کرد. ما نمونه تاریخی این اتفاق را داریم سرنوشت رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی که ما امروز این حرکت را رژیم ایران نام گذاشته ایم. در آن دوران بسیاری از کشورهای جهان رژیم آپارتاید را منزوی و بایکوت کردند تا سرانجام سرنگون شد در حالیکه جنایت‌های بی‌شمار حکومت ایران بسیار بیشتر از جنایات و گشتار رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی است. در کنار و به موازات این ما خواهان دستگیری مقامات و عوامل رژیم که

به خارج کشور می‌آیند هستیم تا آنها را به جرم جنایت علیه بشریت به محاکمه بکشانیم و از این منظر باید خواستار برگزاری یک دادگاه بین‌المللی برای اینگونه محاکمات بود."

از مینا احدی سوال شد که اینها، خواسته‌های شما رو به دولت‌ها است ولی اهرم‌های فشار بر دولت‌ها چیست؟ الان چطوری میشود دولت‌ها را سر عقل آورد؟ اینجوری نیست که آنها نمی‌فهمند در دنیا چه خبر است یا در ایران چه گذشته. در جواب به این سوال مینا احدی می‌گوید: "بنظر من یکی از مشکلات، خود این دولت‌ها هستند، می‌دانند که این رژیم چکاره است و در این ۴۰ سال چه جنایاتی مرتکب شده ولی دولت آلمان و دیگر کشورهای اروپایی بخاطر منافع سیاسی و اقتصادی، از مقامات ایرانی دعوت بعمل می‌آورند، خاتمی و احمدی نژاد و روحانی را دعوت می‌کنند، دست دوستی دراز می‌کنند و آنها را نمایندگانی مردم ایران قلمداد می‌کنند. خب در چنین شرایطی راحت نیست به آنجا مرکل بگوئید ببینید این‌ها جنایت می‌کنند و روابط خود را با اینها قطع کنید. ابراز وجود و حضور مقامات ایرانی فقط به بودن در سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها محدود نمی‌شود. آنها ده‌ها مسجد و مرکز اسلامی درست می‌کنند و از این طریق به سازمان دادن ترور و جاسوسی می‌پردازند مانند مساجد امام علی و مراکز اسلامی وابسته به رژیم. در این رابطه ما تلاش می‌کنیم مردم را به خیابان آورده و به دولت‌ها فشار بیاوریم با مقامات و با نمایندگان احزاب تماس می‌گیریم. جالب است که در همین

آخر ماه نوامبر قرار است اسدی دیپلمات ایرانی بخاطر جابجایی بمب و اسلحه و برنامه ریزی برای ترور در بلژیک محاکمه شود. هفته پیش نیز یک امام جمعه رژیم در شهر اسلو بخاطر برنامه ریزی ترور مخالفین، از کشور نورژ اخراج شد."

بهرام سروش: در پایان صحبت‌هایش به برگزاری چندین کنفرانس منجمله کنفرانس ۲۵ نوامبر که به زبان آلمانی است یا کنفرانس سازمان جوانان کمونیست و کنفرانس حزب همچنین کنفرانسی به زبان انگلیسی که قرار است برگزار شود اشاره کرد و اهمیت این کنفرانس‌ها و تماس با شخصیت‌های مطرح این کشورها را در راستای سیاست بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی برشمرد.

مینا احدی در پایان با اشاره به خیل عظیمی از ایرانیان فراری و منتفر از جمهوری اسلامی که ساکن کشورهای غربی هستند گفت: "واقعا ایرانیان خارج کشور می‌توانند نقش بزرگی در رابطه با بایکوت سیاسی رژیم و بستن سفارتخانه‌ها و مراکز اسلامی که متاسفانه در بعضی جاها از دولت‌ها هم کمک مالی دریافت می‌دارند بازی کنند. باید با شرکت در تظاهرات‌های بزرگ در مقابل سفارتخانه‌های رژیم به دولت‌های خارجی فشار آورد تا این مراکز ترور و جاسوسی را ببندند و کمک هزینه‌هایشان را قطع کنند. ۲۵ نوامبر فرصتی است که ایرانیان مقیم خارج می‌توانند با شرکت در مراسم‌های گوناگونی که در جاهای مختلف برگزار میشود شرکت کرده و به این امر مهم یاری رسانند."*



مراسمی که پیامش دادخواهی، مبارزه و همبستگی بود

پریسا پوینده



صدای معترضین آبانماه و دادخواهی خانواده ها توجه جامعه بین المللی را بهمراه دارد!

زندانی، خانواده های جانباختگان و مبارزات مردم در ایران حمایت میکنند. از ویژگی های دیگر این برنامه پیامهای خانواده جانباختگان و زندانیان سیاسی و کلیپ هایی در رابطه با آبانماه بود. روایت شکنجه شدگان و جانباختگان توسط فعالین کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان اجرا شد.

ما در این مراسم تلاش کردیم ابعاد جنایت در آبانماه را بتصویر بکشیم و در عین حال شجاعت و فریاد کوبنده معترضین آبانماه را یکبار دیگر به همگان خاطرنشان کنیم.

این برنامه که در تلویزیون کانال جدید و همزمان از رسانه های اجتماعی کمیته پخش میشد در ساعات اولیه پخش با استقبال هزاران نفر مواجه شد و این خود نشان داد وجود و سازمان دادن برنامه ای اینچنینی در سالروز گرامیداشت اعتراضات باشکوه مردم و جانباختگان عزیز آبانماه نه تنها لازم بود، بلکه ضرورتی بود که به آن پاسخ دادیم.*

پریسا پوینده، مسئول کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

برنامه را در لینکهای زیر میتوانید مشاهده کنید:

<https://www.youtube.com/watch?v=HgGHe7rR4>

<https://www.facebook.com/IranZendaniSiasi/videos/878030162967194/>

هایشان را در این برنامه ارائه دهد.

مهمانان این برنامه از ایران تا اروپا و آمریکای لاتین با اندوهی عمیق و سنگین اما در دفاع از زندانی سیاسی، آزادی بیان و جنبش دادخواهی در یک همبستگی بین المللی زیبا سخن گفتند. حضور مادران و بستگان زندانیان سیاسی، مادران و پدران دادخواه از ایران تا آمریکای جنوبی و چهره های شناخته شده سیاسی و مدافع حقوق انسانی از نقاط قوت دیگر این برنامه بود. شرکت کنندگان از جمله فرنگیس مظلوم مادر سهیل عربی، زندانی سیاسی محکوم به اعدام، عزت مصلی نژاد، پژوهشگر بین المللی مرکز کاتادابی قربانیان شکنجه و نویسنده، شهلا دانشفر سخنگوی کمپین برای آزادی کارگران مادر شعله پاکروان مادر جانباخته ریحانه جباری، پدر یکی از مبارزین جانباخته از آرژانتین، جوانمیر مرادی از فعالین کارگری، رها بحرینی پژوهشگر عفو بین الملل بخش فارسی، پیتر تاجل از فعالین شناخته شده حقوق بشر، شادی صدر از عدالت برای ایران، آمنه کاکه باوه عضو پارلمان سوئد، شهناز مرتب از خانواده قربانیان پرواز اوکراینی، موسس تشکل مادران میدان مایو آرژانتین و مسئول شبکه جهانی مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در آرژانتین از نقاط برجسته دیگر این برنامه بین المللی بود که شرکت کنندگانش از ایران تا اروپا و آمریکای جنوبی گفتند با وجود چهار دهه حکومت سرکوب، زندان، شکنجه و اعدام در ایران، مبارزه همچنان ادامه دارد و از معترضین

زنداد و شلاق و اسامی لیستی از دستگیرشدگان را به اتحادیه ها، سازمان ملل، گزارشگر ویژه، و سازمانهای حقوق بشری، شخصیتهای سیاسی، دولتهای اروپائی، اتحادیه و پارلمان اروپا ارسال کرده و از آنها خواست تا به بازداشت و کشتار مردم معترض در آبان اعتراض کنند. در این کارزار همچنین اقداماتی چون تهیه کلیپها، اسامی جانباختگان و اقدام وسیعی در رابطه با انتشار عکسهای دستگیر شدگان آبانماه و جلب همبستگی جهانی به عمل آورد. این کارزار و انتشار این عکسها همچنان ادامه دارد.

اقدام مهم و دیگر ما برگزاری یک کنفرانس آنلاینی بمناسبت سالروز اعتراضات سراسری و گرامیداشت یاد جانباختگان آبانماه بود که به زبان فارسی و انگلیسی برگزار شد. برای تهیه این برنامه تیمی از فعالین کمیته تقریباً دو ماه و نیم شبانه روز مشغول تدارک این برنامه بودند. هدف ما از برگزاری این برنامه رساندن صدای بازداشت شدگان و خانواده های جانباختگان آبانماه و به تصویر کشیدن جنایات رخ داده در سطح جهانی بود. نشان دادن سطح و شکل وحشیانه سرکوب، شکنجه و کشتار مردم معترض بود. همینطور مهمتر از همه میخواستیم نشان دهیم تنها در یک همبستگی جهانی میتوان به اعتراض ادامه داد. این یکی از بخشهای مهم برنامه بود که قصد داشت امید به تغییر و دستیابی به آزادی را در دل میلیونها نفر از سراسر جهان تقویت کند و جلوه هایی از همبستگی جهانی با معترضین آبانماه و خانواده

مردم معترض در دستور کار خود گذاشت. پس از اقدامات و تماس های اولیه با سازمانهای جهانی و دولت های اروپائی در آبانماه با نوشتن و ارسال نامه و کلیپهای ترجمه شده از اعتراضات و همچنین نامه مادران دادخواه توانست در دسامبر ۲۰۱۹ حمایت پارلمان هلند را با اتفاق تمام آرای احزاب در همبستگی با مردم معترض و خواست آزادی تمام بازداشت شدگان و دفاع از آزادی بیان در ایران را جلب کند.

در ادامه این اقدامات، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، در مرداد ۹۹ برابر با ژوئیه ۲۰۲۰ کارزار مهم " صدای معترضین آبانماه " را آغاز کرد و در سطح وسیعی دست به جلب افکار عمومی به این کارزار زد. در این کارزار کمیته با ارسال گزارش میسوطی در رابطه با جزئیات سرکوب مردم، شکنجه بازداشت شدگان، تهدید و توهین به خانواده ها، صدور احکام اعدام و

اعتراضات آبان نقطه عطفی در مبارزات مردم در چهار دهه اخیر بود چرا که کل رژیم را نشانه گرفت و خواست سرنگونی جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر در سطح جامعه و رو به مردم دنیا اعلام کرد. مردم با شعار "جمهوری اسلامی نمیخواهیم" و "از بغداد تا تهران انقلاب انقلاب"، اعلام کرد که راه حل نه تغییر رژیم بالا و طرحهای رژیم چنجی، بلکه انقلاب مردم است.

اعتراضات سراسری آبانماه ۹۸ ادامه مبارزات آزادیخواهانه در دهه شصت و اعتراضات دی ماه ۹۶ بود. ادامه اعتراضات جنبش برابری طلبانه زنان، دانشجویان و کارگران در تمام این سالها بود.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی از بدو شروع اعتراضات آبانماه اقدامات متعددی را جهت برجسته کردن این اعتراضات و جلب توجه جامعه جهانی در حمایت از

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره پاه ست
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 7/8

سه تن از اعضای زندانی شده کانون نویسندگان



بیانیه‌ی کانون نویسندگان ایران به مناسبت سالگرد اعتراضات مردمی آبان ۹۸

خانواده‌های قربانیان بسته و حتی حق سوگواری آنان را نیز به شیوه‌های مختلف سلب کرده است. آنان که در آبان خونین ۹۸ به خیابان‌ها آمدند آیا جز این بود که می‌خواستند رنج‌ها و خواسته‌های خود را بیان کنند؟ از آبان گذشته تا به امروز نه تنها بهبودی در شرایط زندگی و معیشت مردم ایجاد نشده، بلکه وضع به مراتب بدتر و غیرقابل تحمل‌تر شده است. شانه‌های مردم زیر فشار جانفرسای گرانی خرد شده و سقوط سرسام‌آور ارزش پول ملی در یک سال گذشته مردم فقیر را فقیرتر کرده و بسیاری دیگر را به زیر خط فقر رانده است. در چنین شرایطی بدیهی است که خواسته‌های مردم در آبان گذشته همچنان به قوت خود باقی باشد و مردمی که جانشان به لب رسیده و هیچ چشم‌انداز روشنی پیش روی خود نمی‌بینند، زبان به اعتراض بگشایند و مطالبات‌شان را بیان و حتی فریاد کنند. اما آنچه در ماه‌های اخیر شاهد آن بودیم حکایت از آن دارد که

پایمال کردن حق آزادی بیان و سرکوب اعتراض‌های مردم در کشور ما پدیده‌ای نوظهور نیست. جمهوری اسلامی بیش از چهل سال به جای به رسمیت شناختن حق آزادی اندیشه و بیان، حق تأسیس تشکل‌های صنفی مستقل و حق برگزاری تجمع‌های اعتراضی مسالمت‌آمیز، همواره شیوه‌ی اعمال فشار، بگیر و ببند و سرکوب را در پیش گرفته است.

سرکوب خشونت‌بار اعتراضات گسترده‌ی مردم در آبان ماه سال گذشته و کشته و مجروح شدن صدها نفر و بازداشت هزاران نفر، که تنی چند از آنان به چوبه‌ی دار سپرده شدند، تعدادی از آن‌ها هنوز در زندان‌اند و برای تعدادی دیگر حکم اعدام صادر شده است، نشانه‌ی آشکار نقض بدیهی‌ترین حقوق انسانی، یعنی حق آزادی بیان است. حکومت نه تنها حق آزادی بیان مردم را به شکلی فجیع سرکوب کرده بلکه همچون موارد مشابه، راه دادخواهی را بر بازداشت‌شدگان و

حاکمیت به جای تسلیم شدن در برابر خواست مردم، بر آن است که با اعمال خفقان عمومی و سانسور رسانه‌ها و صداهای مستقل بر واقعیت موجود سرپوش بگذارد.

مواردی چون افزایش فشار بر تشکل‌های مستقل دانشجویی و فعالین صنفی و سندیکایی و مدنی، ایجاد محدودیت‌های بیشتر برای رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، بازداشت‌های گسترده‌ی روزنامه‌نگاران و نویسندگان، از جمله سه عضو کانون نویسندگان ایران (رضا خندان، مهابادی، بکتاش آبتین و

کیوان باژن)، صدور حکم‌های سنگین برای بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸، بازداشت معترضان به ساقط کردن هواپیمای مسافری و تهدید تعدادی از آنان که دست از دادخواهی برنداشته‌اند، تشکیل گشت به اصطلاح امنیتی محله‌ها، افزایش فشار امنیتی بر خانواده‌های معترضان و قربانیان در آستانه‌ی سالگرد آبان ۹۸ و... همگی نشان از آن دارد که سیاست‌گذاران کشور کماکان راه بستن دهان منتقدان و سرکوب مردم معترض را در پیش

گرفته‌اند.

کانون نویسندگان ایران در سالگرد آبان ۹۸ بار دیگر حمایت خود را از حق اعتراض مردم و دادخواهی خانواده‌های قربانیان و زندانیان آبان ۹۸ و دی ۹۶ اعلام می‌کند و به حکومت هشدار می‌دهد که به سیاست ارباب و سرکوب معترضان و آزادی‌خواهان پایان دهد و همه‌ی زندانیان عقیدتی و سیاسی را بی‌قید و شرط آزاد کند.*

کانون نویسندگان ایران
۲۴ آبان ۱۳۹۹



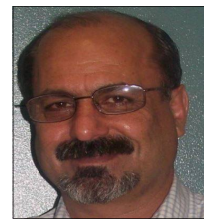
خاطراتی که هدیه جشن تولدش بود ثبت می‌کند. مخفیگاه آنا فرانک نوجوان که با قلبی بزرگ و عشقی عمیق به زندگی امید داشت روزی رها خواهند شد، بعد از دو سال امید به رهایی توسط گشتاپو کشف میشود و آنا و همه خانواده و همراهان به اردوگاهای مرگ فاشیسم روانه میشوند!

آنا، مادر و خواهرش و چهار نفر دیگر در آن مخفیگاه آمستردام هرگز آفتاب را نمی‌بینند. آنا در اردگاه مرگ از بیماری حصبه جان می‌بازد! تنها بازمانده آن مخفیگاه اتو فرانک پدر آنا است که خاطرات دخترش را منتشر میکند.

براستی عشق و امید فوق العاده‌ای به زندگی و انسانیت است که باعث میشود دختری نوجوان در مخفیگاهی که هر لحظه‌اش با ترس و وحشت همراه است، خاطرات تلخ و

به یاد آنا فرانک!

محسن ابراهیمی



ناگزیر میشوند به آمستردام بروند. وقتی آمستردام توسط نازیها اشغال میشود، آنا همراه خانواده و چهار نفر دیگر دو سال تمام در مکانی بالای محل کار پدرش مخفی میشوند. آنا ۱۴ ساله که آرزو داشت ژورنالیست بشود دو سال تمام لحظات غم و اندوه و ترس و وحشت و امید و آرزوهایش را در دفتر

"برخلاف همه چیز، من هنوز باور دارم مردم قلبا خوب هستند!" (آنا فرانک) دیشب بسیار دلم میخواست فیلم خوبی ببینم. فیلم در دسترس "خاطرات آنا فرانک" به کارگردانی جرج استیونز بود که نصیبم شد!

آنا فرانک کودکی از یک خانواده یهودی در آلمان بود که در اوج فاشیسم همراه خانواده

آشامانی مثل هیتلر در آلمان دهه ۳۰ و وارث خلفش خمینی در ایران دهه ۷۰ و پروان خودباخته خونریزشان را تولید میکند داستان دیگری است!

از مدیای اجتماعی حزب

"نگاهی به وضعیت سیاسی ..."

اظهار لحنی های حقوق بشری کرده اند و به روابط سیاسی و تجاری خود ادامه داده اند. امر آنها اینست که اولاً دامنه ترور به کشورهای غربی کشیده نشود و ثانیاً دولت‌ها و نیروهای اسلامی در چهارچوب سیاست‌های دول غربی در منطقه و در دنیا عمل کنند. دول غربی خواهان آن هستند که نیروها و دولت‌های مثل جمهوری اسلامی از محدوده سیاست‌های دولتهای غربی فراتر نروند و از تروریسم بخصوص در کشورهای غربی دست بکشند، ولی به سیاستها و قوانین مافوق ارتجاعي و ضدانسانی دولتهای اسلامی در کشورهای تحت سلطه شان اعتراضی ندارند. مساله هنوز هم این است. اما در همین حد که برخورد دولتها و بخصوص نهادهای بین المللی نظیر امنستی و یا شورای حقوق بشر سازمان ملل در رابطه با نقض حقوق بشر در ایران سخت گیرانه تر و افشاگرانه تر شده است این خود گام مثبتی است که باید با اتکا به افکار عمومی و نیروهای چپ و آزادیخواه در کشورهای غربی این حرکت را تقویت کرد و دولتها را هر چه بیشتر از همراهی و مماشات با دولتهای نظیر جمهوری اسلامی دورتر کرد و آنها را تحت فشار قرار داد برای اینکه روابط سیاسی و دیپلماتیکشان را با جمهوری اسلامی قطع کنند. به نظر من راه حل ترورهای که امروز در اروپا می بینید فقط موضعگیری علیه تروریسم و یا حتی وضع قوانین و اقدامات داخلی ای برای محدود کردن نیروهای اسلامی در این کشورها نیست. اینها کافی نیست. اقدامی که واقعا میتواند موثر و کارساز باشد بایکوت سیاسی ستون فقرات جنبش اسلام سیاسی یعنی رژیم جمهور اسلامی است. جنبش اسلامی یک جنبش سیاسی است و باید در عرصه سیاست به جنگ آن رفت. تروریسم اسلامی یک جنبش عقیدتی فرهنگی نیست، با آگاهی و کار فرهنگی و یا دفاع از

دستشان از جامعه قطع بشود. این شرایط کاملاً موقعیت جمهوری اسلامی را در منطقه تضعیف کرده است. دیگر آن دوره ای که جمهوری اسلامی در عراق و سوریه و لبنان با پرچم دفاع از اسلام و مستضعفین و غیره یکه تازی میکرد سپری شده است و جوایش را نه از دولتها بلکه از توده مردم در خود منطقه گرفته است.

این یک فاکتور اساسی در منطقه است. همانطور که اشاره کردم اگر دولتهای غربی امروز رفتار قاطع تری در برخورد به جمهوری اسلامی در پیش گرفته اند به این خاطرست که خیزشهای توده ای در ایران و در منطقه موقعیت رژیم را تضعیف کرده است. کلاً یک نوع خیزش و بیداری سکولاریستی در منطقه شکل گرفته است که تأثیراتش را حتی در امارات و در عربستان به شکل رفرمهایی در جهت کم کردن نفوذ اسلام در قوانین، در آموزش و پرورش و در زندگی زنان شاهد هستیم.

به نظر من بازنده اصلی این تحولات جمهوری اسلامی است چون این رژیم بیش از هر دولت دیگری در منطقه مدعی بود و اعمال نفوذ میکرد و امروز این موقعیت را از دست داده است.

خلیل کیوان: با روی کار آمدن بایدن چه تغییری در رابطه آمریکا و جمهوری اسلامی ایجاد میشود؟ گمانه زنی ها در این رابطه بسیار است. ظریف امروز چهارشنبه ۲۴ آبان صحبت از بازگشت به برجام میکند. آیا بسوی مذاکره و عادی سازی رابطه میروند؟

حمید تقوایی: جمهوری اسلامی خیلی روی این حساب باز کرده است که با آمدن بایدن مشکلات اقتصادی اش حل میشود ولی این گمانه زنی کاملاً بی پایه است. به این دلیل که اولاً شرایط امروز شرایط دوره انعقاد برجام نیست. نمیشود تاریخ را ۵ سال به عقب برگرداند و همان قرارداد را با همان مشخصات روی میز گذاشت و ادامه داد. بسیاری از فاکتور ها تغییر کرده است. از جمله موقعیت

جمهوری اسلامی در منطقه و در خود ایران، رابطه اش با دول اروپائی، رسوائی و بی ابرویی اش در سطح جهانی و غیره. این شرایط در مقطع امضای برجام وجود نداشت. امروز بویژه مساله اعدامها و کشتار وحشیانه جوانان معترض در ایران و همچنین دخالتگری های جمهوری اسلامی در عملیات تروریستی و اینکه حتی ترور معلم پارسی را محکوم نکرد و بر عکس صریحاً مکرون و سیاستهای سکولاریستی دولت فرانسه را مسئول دانست به یک مسله جهانی تبدیل شده است...

خلیل کیوان: به ترور پاریس برخورد دوگانه ای کردند. ظریف محکوم کرد ولی خامنه ای و سران دیگر حکومت عملاً در دفاع از ترور صحبت کردند...

حمید تقوایی: آن چه جدی گرفته میشود موضع خامنه ای است. ظریف اسما وزیر امور خارجه است ولی همه میدانند که سیاست خارجی را رهبر جمهوری اسلامی تعیین میکند. در هر حال منظور من اینست که کلاً شرایط طوری است که بایدن اگر بخواهد به افکار عمومی مردم در کشورهای غربی و حتی به موضع امنستی و شورای حقوق بشر سازمان ملل و موضعگیریهای دولتهای اروپائی اهمیتی بدهد و این فاکتورها را در نظر بگیرد دیگر نمیتواند به همان مناسبات دوره اوایما با جمهوری اسلامی برگردد.

ثانیاً نکته دیگر اینست که بود یا نبود برجام در بحران همه جانبه جمهوری اسلامی از جمله بربست و فروپاشی اقتصادی حکومت نقش تعیین کننده ای ندارد. فراموش نکنیم که خیزش سال ۹۶ که اساساً علیه فقر و شرایط فلاکتبار معیشتی بود زمانی شکل گرفت که برجام هنوز پابرجا بود. بیش از دو سال از انعقاد این قرارداد میگذشت و با این وجود وضعیت معیشتی مردم چنان غیر قابل تحمل شده بود که به انفجار ۹۶ منجر شد. همین نمونه نشان میدهد که بحران و ورشکستگی اقتصادی جمهوری اسلامی ریشه های عمیقتری دارد و

امری درون کشوری و ساختاری است. ما همیشه بر این واقعیت تاکید کرده ایم و در تجربه هم دیده ایم که بحران و نابسامانی اقتصادی در جمهوری اسلامی امری است که در هویت و ایدئولوژی اسلامی حکومت ریشه دارد. ازینرو حتی اگر به همان برجام قبلی هم برگردند نه قرارت وضعیت اقتصادی مردم بهبودی پیدا کند، نه قرارت دستمزدهای عقب افتاده را پرداخت کنند و یا دستمزدهای یک پنجم خط فقر را افزایش بدهند و نه کلاً توده مردم نصیبی خواهند برد. کما اینکه بعد از امضای برجام از مبلغ نزدیک به دو میلیارد دلار از دست رفت. به حکومت مسترد شد جامعه نصیبی نبرد. فقط آیت الله های میلیاردی پرورتر شدند و بودجه اقدامات سرکوبگرانه و تروریستی شان در ایران و در منطقه را افزایش دادند. امروز هم وضعیت همان است.

از سوی دیگر پایان یافتن تحریمهای اقتصادی دولت ترامپ این بهانه و توجیه را از مقامات جمهوری اسلامی میگیرد که همه مشکلات اقتصادی و حتی فاجعه کرونا را به گردن تحریمهای اقتصادی میانداختند. این نوع تبلیغات تمام میشود و مردم بیش از پیش به عینه مبینند ریشه مسائشان خود جمهوری اسلامی است و از این بابت هم همانطور که بارها در اعتراضات شعار داده اند "دشمن ما همین جاست"، یا با شعار "حقوقهای نجومی فلاکت عمومی" به خیابان آمده اند، علیه دزدی و فساد که کل حکومت را فراگرفته است مدام اعتراض کرده اند و مقابله با فساد و شکاف عمیق بین فقر و ثروت بویژه به یک امر کارگران اعتصابی تبدیل شده است، الان هم روابط اقتصادی با غرب هر شکلی به خود بگیرد، مبارزات همچنان ادامه خواهد یافت و عمیق تر و گسترده تر خواهد شد. به نظر من ریاست جمهوری بایدن بهانه ترامپیسم را از جمهوری اسلامی میگیرد و از این نقطه نظر زمینه مساعدی برای پیشرویهای بیشتر جنبش توده ای علیه حکومت فراهم میکند.*

طرح حمایت از کودکان کار، یا طرح ...



۱۲ ساعت در مورد تعرض جنسی قرار می‌گیرند. پس از ۱۵ سال نه تنها از تعداد کودکان کار و خیابان و کودکان پرتاب شده از چرخه تحصیل کاسته نشد که آسیب‌های اجتماعی ناشی از کار کودکان چندین برابر شد. نقش شهرداری‌ها بویژه مافیای بازیافت زباله که اساساً به دلیل کار شاق و دستمزد ناچیز کودکان کار، سود هنگفتی به همراه دارد، کاملاً افشا گردید. استفاده از نیروی کار کارگران خردسال مهاجر افغان این سودآوری را به کوهی از ثروت برای پیمانکاران مافیایی شهرداری بدل کرده است. طبقه سیواوشی نماینده سابق مجلس اسلامی در این زمینه در مصاحبه‌ای علناً اعتراف کرد که مسئولین کشور می‌گویند ما به نیروی کار ارزان این کارگران خردسال نیازمندیم.

با گذشت ۱۵ سال و ناکامی در آنچه سیاست واقعی طرح ساماندهی در "جمع‌آوری کودکان کار" بود. سازمان بهزیستی با معرفی طرحی جدید تحت عنوان «حمایت اجتماعی از کودکان کار» به نقد طرح پیشین خود پرداخته است. طرحی نو با همان محتوای قدیمی بشدت کودک ستیزانه و این بار بسیار عوامفریبانه‌تر و بی‌پشتوانه‌تر از پیش.

طرح حمایت اجتماعی از کودکان کار چیست؟

طبق تعریف این طرح بر سه محور استوار شده است؛ خانواده محور، مدیریت محور و توانمندسازی. آنچه در تیتیر این طرح چشمگیر است و آنرا متمایز می‌کند این است که دیگر «کودکان خیابان» در

اقتصادی خوانده می‌شود بودجه خدمات اجتماعی کاهش چشمگیر یافت و مشخص نیست بودجه‌ای که معاون بهزیستی ادعا می‌کند از کجا و بر چه اساسی قرار است تأمین شود. این تناقض را سیدحسین موسوی، رئیس انجمن مددکاران ایران به صراحت بیان می‌کند: «بودجه سال ۱۳۹۹ برای ساماندهی کودکان کار و خیابان ۱۷ درصد کاهش و از هزینه نگهداری کودکان کار ۱۸ درصد کاسته شده است.» با این حساب کم‌کم بودجه‌ای برای اجرای توانمندسازی ادعایی در اختیار بهزیستی و شرکاء وجود ندارد. بنابراین هر چه که گفته شده فعلاً عملی نیست. گرچه قرار نیست که عملاً اقدام بازدارنده‌ای برای ممانعت از کار حرفه‌ای کودکان انجام شود.

محمد شریعتمداری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی صریحاً می‌گوید: «کمک‌های معیشتی، حرفه‌آموزی و آماده سازی شغلی» راهکارهایی است که باید مورد استفاده قرار بگیرد. این دقیقاً به این معنی است که کودک کار را با آموزش در شغل خودش باید آموزش داد و نگه داشت. وحید قبادی دانا، رئیس الگوی "خانواده بهزیستی، در توانمندسازی ادعایی را بیشتر باز می‌کند: «باهمکاری دستگاه‌های امنیتی و انتظامی در اجرای این طرح و در حوزه‌های مختلف شناسایی و جذب، توانمندسازی، حمایت از خانواده و دادن آموزش‌های لازم از توان انجمن‌های مردم نهاد، نیروهای داوطلب و موسسات غیردولتی نیز استفاده خواهد شد».

کاملاً، واضح است که طرحی برای خاتمه دادن به کار کودکان در دستور نیست. بلکه با دخالت دستگاه‌های امنیتی و انتظامی سراغ خانواده کودک که به جای درس و بازی و مدرسه، ناچار به فروش نیروی کار شده می‌روند و خانواده را گوشمالی می‌دهند. دخالت

(ان‌جی‌او) ها زیر نظر همین دستگاه‌های امنیتی قرار است انجام شود. مدیریت "مورد" به همین‌گونه صورت می‌گیرد. اساس "مدیریت مورد" شناسایی کودکان کار خیابانی است. وی می‌گوید: «این کودکان از گروه‌های مختلفی تشکیل می‌شوند، برخی از این گروه‌ها باندهای قاچاق انسان هستند!»

همه آن هیاهوی فریبکارانه‌ای که برای اجرای این طرح پر طمطراق به راه انداخته شده، حتی از همان طرح ساماندهی پیشین نیز کمتر کارایی دارد. بیشتر پلیسی و امنیتی است و برای تثبیت و نرمال کردن کار حرفه‌ای کودکان طراحی شده است.

مدیرکل بهزیستی شهرستان تهران باوقاحت می‌گوید: «بر اساس برنامه‌ریزی‌های انجام شده گروه‌های داوطلب به چهارراه‌ها و اماکنی که معمولاً کودکان کار در آنجا حضور دارند، می‌روند و با استفاده از یک اپلیکیشن اطلاعات آنان را وارد می‌کنند و عنبیه آن‌ها اسکن می‌شود، سپس از طریق خودروهایی که در محل حاضر هستند این کودکان به اولین مکان منتقل می‌شوند.»

چهار مرکز اسکان موقت برای این کودکان در نظر گرفته شده است. دو مرکز ویژه کودکان شناسایی شده ایرانی است و دو مرکز برای کودکان به اصطلاح اتباع بیگانه است که تا سه هفته نگهداری و بعد رد مزر می‌شوند. به گفته معاون وزیر کشور دو سوم کودکان در ایران اتباع خارجی هستند.

آنچه در نظر گرفته نمی‌شود اساساً این است که حق کودک نباید منوط به پناهنده، مهاجر و اوراق هویتی او باشد. موضوع این است که خود این وضعیت او را به بازار کار و اجبار برای کمک خرج خانواده بودن کشانده است! اینجا نه حق جهانشمول کودک که محل تولد جغرافیایی کودک، حق زیستن او را تعیین می‌کند.

این طرح در واقع می‌خواهد به هر قیمتی کودکان کار را از سطح شهرها جمع کند. توجه به وضعیت مخاطره‌آمیز و زیان‌بار ناشی از فقر و فلاکت، آوارگی، مهاجرت و بی‌تابیتی، مطلقاً مد نظر نیست. آنچه قرار است اتفاق بیفتد نه جلب اعتماد و جذب کودکان کار توسط مددکاران اجتماعی بلکه دستگیری کودکان توسط نیروهای اجرای احکام شهرداری با پشتوانه دستگاه‌های امنیتی و انتظامی است.

این وضعیت جهانی بخشی از فلاکتی است که جمهوری اسلامی بر سر جامعه آوار کرده است. توقف کار حرفه‌ای کودکان همین الان کاملاً شدنی و امکان‌پذیر است! نیازی نیست عنبیه چشم کودکی را اسکن کرد. به هیچ مرکز شناسایی و پلیس و گرمه‌ای احتیاج نیست. آموزش، بهداشت و درمان، تفریح و شادی و بازی حق پایه‌ای و بدون استثنا همه کودکان است. این را نه مهاجرت، نه پناهندگی، نه تابعیت، نه مذهب و نژاد نباید تعیین کند!

به رسمیت شناختن حق جهانشمول کودکان این بساط پلیسی - امنیتی را از سر کودکان بر می‌دارد و به جایش آموزش و پرورش شاد، رایگان و اجباری با یک استاندارد واحد و بدون تبعیض برای همه کودکان را جایگزین می‌کند.

تأمین معیشت، بهداشت و درمان کلیه کودکان بدون در نظر گرفتن وضعیت اقتصادی خانواده، به یک باره کل این وضعیت ضد بشری را به هم می‌ریزد. این راهی است که جامعه باید در مقابل خود بگذارد و برای تحقق آن بجنگد.

جبهه‌های نبرد ما برای دفاع از حق کودکان دقیقاً از همین دروازه‌ها می‌گذرد. بزرگترین دشمن کودکان، بزرگترین مانع سلامت و خوشبختی کودکان عامل بقا و مسبب قهری وجود کودکان کار، جمهوری اسلامی است.*



دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم، بدون خطر سوسیالیسم، به چه منجلا بی بدل میشود! منصور حکمت



در کنار خبیث ترین موجودات که فقط هیبتی از انسان دارند و به ضرب داغ و درفش می خواهند مانع از هم گسیختگی زنجیر استثمار شوند.

یکی در پی زیباترین آرزوها است و به قول شاعر " به خاطر شبی بر برگ" و بر لبش زیباترین سرودها را زمزمه میکند. دیگری در پی شنیع ترین صحنه ها و شنیدن ضجه های انسانی که زیر آواری از درد شاید در هم بشکنند.

یکی متعلق به سپیده صبح که نوید روزی روشن را میدهد و دیگر متعلق به اعماق سیاه شب هول که در تاریکی زخم زدن بر تن و

یکی همه زیبایی و دیگری همه زشتی

یاشار سهندی

میکروفون را مقابل قربانیان شکنجه می گیرد و تمام قد از رژیم خبیث جمهوری اسلامی دفاع می کند.

یکی سرشار از شور و شادی و هیجان و در پی یک دنیای بهتر برای همه. دیگری سرشار از نفرت و بغض و کینه به همه کسانی که میخواهند شاد باشند برای کسب رضایت جلادان و کسب قربت الهی.

یکی ایستاده در کنار شریف ترین انسانها که در تلاشند زنجیر استثمار را از هم بگسلند. دیگری ایستاده

مدت طولانی است که از دختر رنگی پنگی، سپیده قلیان خبری نبود تا امروز خبری منتشر شد که دختر شجاع طنقه کارگر ایران را بار دیگر می خواهند محاکمه کنند. شاکی زنی سیاه پوش؛ کلاغ شوم آمنه سادات ذبیح پور، یکی از ابزارهای اصلی شکنجه گران جمهوری اسلامی.

یکی شجاع؛ که در مقابل تمامی دستگاه جهانی شکنجه جمهوری اسلامی تمام قد ایستاده. دیگری اما ذلیل و ترسو که در پناه برادران ایمانی جلادش

آمنه سادات ذبیح پور حتی لازم نیست ننگ بخواهیم. او سمبل نفرت از زندگی است.*

روان انسانها لذت می برد. سپیده جزء زیبا از وجود ما مردم. آمنه مهره ای حقیر در دستگاهی دون پرور.

درود ما بر سپیده قلیان، دختر رنگی پنگی. و برای

از مدیای اجتماعی حزب

حکومت اسلامی ضد زن نابود باید گردد



آمار هشتک
#کدام_آبان

اسلامی به هیچ عنوان توان فرار از جنایات آبان را ندارد و باید پاسخگو باشد. محاکمه سران نظام جمهوری اسلامی و آمرین و عاملین کشتار آبانماه و کشتار در چهار دهه گذشته باید به پای میز محاکمه کشانده شوند.*

موضوع واکنش نشان دادند. پس از گسترش اعتراضات آبان ۹۸ در بیش از صد شهر، جمهوری اسلامی اقدام به سرکوب گسترده این اعتراضها کرد که بر اساس گزارش خبرگزاری رویترز منجر به کشته شدن ۱۵۰۰ نفر شد. وبسایت سازمان عفو بین الملل تاکنون اسامی ۳۰۴ نفر از کشته های آبان را منتشر کرده و تاکید کرده است که رقم واقعی قربانیان به احتمال زیاد بالاتر است. کاربران در شبکه های اجتماعی با اعتراض خود نشان دادند که جمهوری

در میان کاربران شبکه های اجتماعی برانگیخت و بسیاری از آنها با نوشتن توییت های انتقادی به این

سازمان جوانان کمونیست

هشتک کدام آبان و خشم

کاربران شبکه های اجتماعی



توییت ۱۵۹ میلیون بار دیده شده و در ۱۱۰ هزار توییت و ری توییت استفاده شده است.

جمله پرسشی «کدام آبان» در نقل قول از مسول دفتر خامنه ای و به خصوص نافرجام ماندن دادخواهی همه خانواده های کشته شدگان به رغم گذشت یک سال از تاریخ اعتراضات و قتلها، خشم و عصبانیت گسترده ای را

ساعتی پس از رسانه ای شدن جمله "کدام آبان؟" که پاسخ دفتر خامنه ای به یکی از خانواده های کشته شدگان خیزش آبان بود، شمار چشمگیری از کاربران توییت با استفاده از هشتک «کدام آبان» به یادآوری قتل هایی پرداختند که در جریان سرکوب شدید این اعتراضات رخ داد.

این هشتک تا روز جمعه ۲۳ آبان ۹۹، در



بدون شرح

ویروس کرونا در ایران

https://t.me/jk_org/25316

کدام آبان #

آبان آدامه دارد #

آبان ۹۸ #

جمهوری اسلامی نابود #

باید گردد

از مدیای اجتماعی حزب

سرنگون باد جمهوری اسلامی



جمهوری اسلامی "مذاکره" می‌کرد، خانواده های قربانیان در مقابل دفتر وزارت خارجه در تهران اعلام کردند "اول محاکمه بعدا مذاکره"، اعلام کردند این سانحه نبود، جنایت علیه بشریت بود؛ اعلام کردند گزارشات حکومت اسلامی دروغ است؛ اعلام کردند به مقامات جمهوری اسلامی اعتماد ندارند؛ اعلام کردند که حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران باید اکنون در زندان میبود!

ما خانواده ها و دادخواهان پرواز ۷۵۲، ما خانواده ها و دادخواهان قتل عام آبان ۹۸، ما خانواده های قتل عام دهه شصت، ما خانواده های ۱۵۰۰ جانباختگان دی ۹۶ و خرداد ۹۸، ما اکثریت مردم ایران که با ظرفیت جنایت و رذالت این حکومت آشنایی کافی داریم، تردیدی در عمده بودن جنایت نداشتیم و اعلام میکنیم که تا به زیر کشیدن حکومت قاتل مردم و محاکمه قاتلان ۱۷۶ انسان بیگناه پرواز ۷۵۲

دادستان کل اوکراین نیز عمدی بودن شلیک به هواپیما را تایید کرد!

دادستانی کل اوکراین، در آستانه اولین سالگرد به موشک بستن مسافرین هواپیمای پرواز ۷۵۲ اوکراین توسط سپاه پاسداران اعلام کرده است: "این یک جنایت عمدی" بوده است و "طرف ایرانی" هنوز ادعا میکند "اشتباه اپراتور" بوده و "تاکنون هیچیک از شواهد و مدارک درخواست شده ارسال نشده است؛ هنوز نمیدانیم چه کسانی مسئول بوده اند و از هویت و نقش شش نفر دستگیر شده اطلاع نداریم و حتی دستگاه متعلق به خدمه اکرایی پرواز ۷۵۲ که کار میکرده و یک سند مهم است را تحویل نمیدهند."

ما مردم این کیفرخواست را در سطح بین المللی دنبال خواهیم کرد و به هیچ چیز کمتر از محاکمه آمران و عاملان این جنایت فجیع، بعنوان یک جنایت آشکار علیه بشریت، رضایت نخواهیم داد.

وقتی همین چند هفته پیش معاون وزیر خارجه دولت اوکراین با مقامات

دادستانی کل اوکراین، در آستانه اولین سالگرد به موشک بستن مسافرین هواپیمای پرواز ۷۵۲ اوکراین توسط سپاه پاسداران اعلام کرده است: "این یک جنایت عمدی" بوده است و "طرف ایرانی" هنوز ادعا میکند "اشتباه اپراتور" بوده و "تاکنون هیچیک از شواهد و مدارک درخواست شده ارسال نشده است؛ هنوز نمیدانیم چه کسانی مسئول بوده اند و از هویت و نقش شش نفر دستگیر شده اطلاع نداریم و حتی دستگاه متعلق به خدمه اکرایی پرواز ۷۵۲ که کار میکرده و یک سند مهم است را تحویل نمیدهند."

ما مردم همه میدانستیم که این یک جنایت عمدی توسط حکومت اسلامی بود. حزب کمونیست کارگری بلافاصله بعد از این جنایت اعلام کرد که شلیک به هواپیمای اوکراینی با نقشه بالاترین مقامات حکومت و

جمهوری اسلامی بشوند. جمهوری اسلامی را بایکوت کنند و از کلیه نهادهای بین المللی، از نهادهای سیاسی، فرهنگی و ورزشی جهانی بیرون بیندازند تا ما کار این حکومت را یکسره کنیم تا نه تنها مردم ایران، بلکه مردم منطقه و جهان را از لوذ یکی از جانی ترین حکومتهای تاریخ جهان پاک کنیم.*

جمهوری اسلامی نابود باید گردد!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ آبان ۱۳۹۹
۱۴ نوامبر ۲۰۲۰

گرامی باد یاد خیزش آبان

فریاد اعتراض مردم در آبان و دی ماه ۹۸:

- ۱۵۰۰ نفر، کشته آبان ما
- سپاه جنایت می‌کند، رهبر حمایت می‌کند
- دیکتاتور سپاهی، داعش ما شمایی
- سلیمانی قاتله، رهبرش هم قاتله
- ننگ ما، ننگ ما، رهبر الدنگ ما
- فرمانده کل قوا، استعفا، استعفا
- جمهوری اسلامی نابود باید گردد

آبان ادامه دارد ...



مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ماه مرداد ۹۹ برابر با جولای ۲۰۲۰ کارزار مهم "صدای معترضین آبانماه" را آغاز کرد و در سطح وسیعی دست به جلب افکار عمومی به این کارزار زد. در این کارزار کمیته گزارش ۳۰ صفحه ای در رابطه با جزئیات سرکوبگر و لیست از دستگیرشدگان را به اتحادیه ها، سازمان ملل و سازمانهای حقوق بشری و انساندوست، شخصیتهای سیاسی، دولتهای اروپایی، اتحادیه و پارلمان اروپا ارسال کرده و از آنها خواست تا به بازداشت و کشتار مردم معترض در آبان اعتراض و رسیدگی شود. در این کارزار همچنین اقدامات وسیعی در رابطه با انتشار عکسهای دستگیر شدگان آبانماه و جلب همبستگی هائی به عمل آورد.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

زمان محاکمه علنی جانیان و قاتلان مردم در ایران نزدیک است!

اعلام شده است که در سه روز پیاپی در بهمن ماه سال جاری به استماع شهادت شاهدان عینی، خانواده‌های جانبختگان و کارشناسان می‌پردازد. این دادگاه مردمی برای رسیدگی به رویدادهای آبان ماه گذشته و سرکوب شهروندان ایران در لاهه تشکیل می‌شود. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی از این اقدام مهم استقبال و حمایت کرده و به خانواده ها و جنبش دادخواهی تریک میگوید. ما تشکیل این دادگاه را قدم مهمی جهت احقاق دادخواهی خانواده ها میدانیم.

لازم به ذکر است که نظر به ضرورت کار ویژه در رابطه با سرکوب معترضین آبانماه، کمیته

اعلام " آبان تریبونال" و دادخواهی خانواده ها، و قدمی مهم برای محاکمه عاملان و آمران سرکوب معترضان آبانماه

این سر تیتر خبر مسرت بخشی است که در سالگرد اعتراضات آبانماه روز شنبه ۱۴ نوامبر برابر با ۲۴ آبان ماه اعلام شد. برگزاری این دادگاه امید به محاکمه سران جنایتکار جمهوری اسلامی را یکبار دیگر در دلهايمان زنده نگه میدارد.

این دادگاه به ابتکار چند سازمان حقوق بشر از جمله «عدالت برای ایران»، «حقوق بشر ایران» و «با هم علیه اعدام» با شرکت قضات بین‌المللی در بهمن ماه سال آینده به سرکوب شهروندان در ایران در جریان رویدادهای آبان ماه ۹۸ رسیدگی خواهد کرد.

"مبنای انقلاب کارگری بشریت است، مبنای آزادی کارگر بشریت است، و مبنای مارکسیسم آزادی بشریت است." منصور حکمت



صدای معترضین آبانماه و دادخواهی خانواده ها توجه جامعه بین الملل را به همراه دارد!

اعتراضات باشکوه آبانماه به نقطه عطفی در مبارزات مردم ایران و سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی تبدیل شده است!

نظر به ضرورت کار ویژه در رابطه با سرکوب معترضین آبانماه، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ماه مرداد ۹۹ برابر با جولای ۲۰۲۰ کارزار مهم " صدای معترضین آبانماه " را آغاز کرد و در سطح وسیعی دست به جلب افکار عمومی به این کارزار زد. در این کارزار کمیته گزارش ۳۰ صفحه ای در رابطه با جزئیات سرکوبگر و لیست از دستگیرشدگان

را به اتحادیه ها، سازمان ملل و سازمانهای حقوق بشری و انсандوست، شخصیتهای سیاسی، دولتهای اروپایی، اتحادیه و پارلمان اروپا ارسال کرده و از آنها خواست تا به بازداشت و کشتار مردم معترض در آبان اعتراض و رسیدگی شود. در این کارزار همچنین اقدامات وسیعی در رابطه با انتشار عکسهای دستگیر شدگان آبانماه و جلب همبستگی جهانی به عمل آورد. توجه و حمایت پارلمان هلند و دولت کانادا، انگلند و سوئد از دستاوردهای مهم این کارزار و اقدامات ما از بدو شروع اعتراضات

آبانماه بوده است. امروز خوشحالیم اعلام کنیم در ۲۵ آبان امسال در سالروز اعتراضات باشکوه آبان و گرامیداشت یاد عزیزان جانباخته توانستیم برنامه بین المللی دیجیتالی را سازمان دهیم. برنامه ای که پیام خانواده ها ی دادخواه از ایران تا آمریکای جنوبی، روایت شکنجه بازداشت و کشتار جانباختگان از سراسر جهان و همچنین پیام فعالین سیاسی و چهره های شناخته شده عرصه دفاع از حقوق انسانی، زندانی سیاسی و قربانیان شکنجه یکبار دیگر همبستگی جهانی را به تصویر کشید.

اینجا از تمام عزیزانی که شبانه روز در تهیه و تدارک این برنامه تلاش کردند، عزیزانیکه با پیامهایشان حمایت و همبستگی با اعتراضات

شیوا محبوبی سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان



مردم و خانواده ها و امید به تغییر را در دلها زنده نگه داشتند و تمام عزیزانیکه با دلی پر از اندوه و اما شور و شوق این برنامه بین المللی را دنبال و آنرا با دوستان و آشناهایشان به اشتراک گذاشتند، تشکر ویژه و قدردانی میکنیم.*

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
۲۹ آبان ۱۳۹۹
۱۹ نوامبر ۲۰۲۰

برنامه را در لینکهای زیر میتوانید مشاهده کنید:

<https://m.youtube.com/watch?feature=share&v=HgGHe7rR4>

<https://www.facebook.com/IranZendaniSiasi/videos/878030162967194/>

همبستگی اتحادیه کارگران خدمات دولتی در بریتیش کلمبیا با فراخوان به گرامیداشت سالگرد خیزش آبان

بذنبال تماس مسعود ارژنگ عضو کمپین برای آزادی کارگران زندانی در کانادا استقانی اسمیت دبیر کل اتحادیه کارگران خدمات دولتی در بریتیش کلمبیا در کاندا که بیش از هشتاد هزار عضو دارد طی پیامی همبستگی خود را با مراسم سالگرد خیزش آبان ماه اعلام کرد و از اعتراضات مردم ایران برای دفاع آزادی و حقوق انسانی دفاع نمود. او در این نامه گرم و صمیمانه همبستگی خود را با مبارزات کارگران ایران اعلام کرده و ضمن محکوم کردن کشتار معترضین آبان، بر پایان گرفتن این سرکوبگری ها تاکید میکند. این اتحادیه قبلا نیز با گذاشتن امضای خود را در زیر قطعنامه فری دم ناو با خواست بایکوت جمهوری اسلامی در سطح جهانی و اخراج آن از سازمان جهانی کار و با تاکید بر لغو مجازات اعدام و شلاق و سرکوب

زنده باد همبستگی جهانی کارگری کمپین برای آزادی کارگران زندانی

Shahla.daneshfar2@gmail.com
<https://free-them-now.com/>
۲۴ آبان ۹۹، ۱۴ نوامبر ۲۰۲۰

متن پیام استقانی اسمیت دبیر کل اتحادیه های کارگری بریتیش کلمبیا:

در پاسخ به مراسم گرامیداشت یاد جانباختگان کشتار در نزارهای ماهشهر در آبان 98 برگزار کنندگان عزیز! من به نمایندگی از بیش از ۸۰۰۰۰ عضو BCGEU، همبستگی خود را با مبارزات کارگران در ایران اعلام میکنم. از طریق ارتباط و همکاری با "فری دم ناو" (کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران) از مبارزات متحدانه کارگران ایران برای معیشت و امنیت و بازنشستگی مطلع شدیم. ما از تلاش آنها و همه مردم

FREE THEM NOW
CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

FREE ALL JAILED LABOUR ACTIVISTS IN IRAN NOW!
ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO

ایران برای ایجاد دنیایی بهتر حمایت میکنیم. سرکوب کارگران و شهروندان در ایران باید پایان یابد. ما قتل ندا آقا سلطان، پویا بختیاری و نوید افکاری و کشتار در ماهشهر در آبان ماه ۹۹ که منجر به جانبختن بسیاری از معترضین شد را به شدت محکوم می کنیم. اتحادیه ما از مقاومت مداوم در برابر انواع خشونت های وارده بر کارگران و شهروندان، انسانهایی که برای عدالت مبارزه میکنند، پشتیبانی می کند. ما از

مراسم برنامه ریزی شده برای گرامیداشت یاد جانباختگان قتل عام ماهشهر در ۱۴ نوامبر پشتیبانی می کنیم. ما به ابراز همبستگی و حمایت خود با جنبش کارگری، جنبش زنان و جنبش دانشجویی در ایران که برای آزادی تلاش می کنند ادامه میدهیم.
در همبستگی،
استقانی اسمیت-دبیر کل اتحادیه کارگران و کارکنان خدمات دولتی بریتیش کلمبیا در کانادا
13 نوامبر 2020



اعتراضات کارگری و کارزارها



استخدامی و تعویق پرداخت ۵ ماهه حقوق و مزایای خود در مقابل درب شرکت آبقار استان دست به تجمع اعتراضی زدند. در همین رابطه این کارگران بارها تجمع اعتراضی داشته اند.

- روز ۲۷ آبان تعدادی از کارگران میراب کشت و صنعت کارون با خواست در اعتراض به قراردادهای موقت کاری در مقابل ورودی این شرکت تجمع کردند.

- روز ۲۷ آبان ۴۰ نفر از آموزش دهندگان نهضت سوادآموزی خوزستان در اعتراض به عدم تبدیل قراردادهایشان به حق التدریسی در مقابل استانداری تجمع کردند.

- روز دوشنبه ۲۶ آبان جمعی از دستفروشان خرمشهر در اعتراض به بلاتکلیفی معیشتی چند ساله خود بدلیل عدم تحویل غرفه های خریداری شده شان در بازار این شهرستان در استان خوزستان، دست به تجمع زدند. دستفروشان بخشی از جمعیت عظیم کارگران بیکار هستند که برای نجات از گرسنگی ناکزیر به دستفروشی شده و در بدترین شرایط زندگی خود را میگذرانند. حکومت اسلامی به جای تامین معیشت و زندگی این کارگران همواره آنها را مورد پیگرد سرکوبگران و پنجه بوکس بدستان شهرداری قرار داده است. دولت در قبال زندگی آنها مسئول است و به همه مردم

وضعیت اعتراض دارند. زیر فشار اعتراض کارگران مقرر شده بود که از ابتدای سال ۹۹ تمامی کارگران شرکتی با سازمان اتکا قرارداد مستقیم داشته باشند و از سال ۹۸ جهت تکمیل پرونده از کارگران عکس و مدارک نیز گرفته شد، اما تا کنون اقدامی صورت نگرفته است و حقوق کارگران همچنان پایمال میشود.

- روز ۲۶ آبان بدنیاال اعتراضات متوالی ۴۸ کارگر اخراجی راهداری و حمل و نقل جاده ای قزوین دستمزدهای معوقه آنان پرداخت شد، اما خواست اصلی این کارگران مبنی بر بازگشت به کار عملی نشده است. این درحالیست که در حرکت اعتراضی ای که این کارگران در هنگام سفر نوبخت به قزوین داشتند، به آنها وعده بازگشت به کار داده شده بود. این کارگران بین ۵ تا ۸ ماه مزد طلب داشته و هم اکنون خواستار بازگشت به کار خود هستند.

اطلاعیه خبری
اعتصاب کارگران نیروگاه برق رامین اهواز و چند خبر اعتراضی دیگر

- روز ۲۷ آبان ۸۵ نفر از کارگران شرکتی کارخانه قند اسلام آباد غرب از صنایع وابسته به سازمان تعاونی مصرف کادر نیروهای مسلح (اتکا) اعتراض خود را به عدم تبدیل وضعیت قراردادهای دائم و پرداخت مزدی نازل و حداقل، رسانه ای کردند. به گفته کارگران در این کارخانه نیروها با چند وضعیت شغلی کار می کنند که شامل رسمی، پیمانی، فصلی و شرکتی هستند. نیروهای شرکتی مانند بقیه کارگران در قسمت های مختلف از جمله فنی، تولید و حراست مشغول هستند. ساعت کاری کارگران شرکتی به صورت ۱۲ ساعته است؛ یعنی ماهیانه حدود ۱۶۰ ساعت اضافه کار میکنند که ۱۵ روز آن روزکاری و ۱۵ روز دیگر شبکاری است. این درحالی است که هیچ مبلغی بابت ساعات اضافه کاری و شب کاری به آنها پرداخت نمی شود و فقط حداقل حقوق ثابت قانون کار بر اساس هشت ساعت کار در روز بدون تعطیلات و دیگر مزایا به آنها پرداخت می شود. کارگران به این

تجمعاتشان بر آنها تاکید کرده اند.

- روز ۲۸ آبان جمعی از مربیان پیش دبستانی ایده در اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی خود در محوطه آموزش و پرورش این شهرستان تجمع کردند. خواست فوری آنها استخدام در آموزش و پرورش است.

- روز ۲۷ آبان ۸۵ نفر از کارگران شرکتی کارخانه قند اسلام آباد غرب از صنایع وابسته به سازمان تعاونی مصرف کادر نیروهای مسلح (اتکا) اعتراض خود را به عدم تبدیل وضعیت قراردادهای دائم و پرداخت مزدی نازل و حداقل، رسانه ای کردند. به گفته کارگران در این کارخانه نیروها با چند وضعیت شغلی کار می کنند که شامل رسمی، پیمانی، فصلی و شرکتی هستند. نیروهای شرکتی مانند بقیه کارگران در قسمت های مختلف از جمله فنی، تولید و حراست مشغول هستند. ساعت کاری کارگران شرکتی به صورت ۱۲ ساعته است؛ یعنی ماهیانه حدود ۱۶۰ ساعت اضافه کار میکنند که ۱۵ روز آن روزکاری و ۱۵ روز دیگر شبکاری است. این درحالی است که هیچ مبلغی بابت ساعات اضافه کاری و شب کاری به آنها پرداخت نمی شود و فقط حداقل حقوق ثابت قانون کار بر اساس هشت ساعت کار در روز بدون تعطیلات و دیگر مزایا به آنها پرداخت می شود. کارگران به این

اطلاعیه خبری
اعتصاب کارگران نیروگاه برق رامین اهواز و چند خبر اعتراضی دیگر

- روز ۲۷ آبان کارگران نیروگاه برق رامین اهواز در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی خود دست به اعتصاب زدند.

- روز سه شنبه ۲۷ آبان جمعی از کارکنان آب و فاضلاب روستایی خوزستان، در اعتراض به عدم تعیین تکلیف وضعیت

تلخیصی از اطلاعیه های خبری حزب اعتراضات کارگران شهرداری، کشت و صنعت کارون، پتروشیمی گچساران و خبرهای دیگر...

های بهداشتی مقابله با بیماری کووید ۱۹ و در خطر بودن جان کارگران و خانواده هایشان رسانه ای کردند.

تجمع شماری از بازنشستگان تامین اجتماعی در تهران و چند خبر اعتراضی دیگر

- روز چهارشنبه ۲۸ آبان شماری از بازنشستگان تامین اجتماعی با دست داشتن شعارنویشته و سردادن شعارهایی از جمله "بازنشسته بیدار است، از تبعیض بیزار است" در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کرده و پیگیر مطالباتشان شدند. در همین روز ۱۳۰ نفر از بازنشستگان تامین اجتماعی خوزستان در مقابل اداره تامین اجتماعی تجمع کردند و طی نامه ای اعتراضی خطاب به شورای اسلامی و کانون بازنشستگان استان پیگیر مطالباتشان شده و خواستار افزایش مستمری شان بر اساس سبد هزینه زندگی و احتساب سنوات کارهای سخت و زیان آور در محاسبات همسان سازی حقوق خود شدند. افزایش حقوق ها به بالای خط فقر ده میلیونی و اجرای طرح همسان سازی مشاغل، درمان رایگان و بیمه کارآمد، تحصیل رایگان برای همه کودکان، حق مسکن و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی همکاران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی از جمله خواستهایی است که بازنشستگان بارها در

روز ۲۸ آبان اعتصاب و تجمعات کارگران شهرداری سوسنگرد در اعتراض به عدم پرداخت ماه ها حقوق و اجرا نشدن پروتکل های بهداشتی مقابله با کرونا و نبود امکانات بهداشتی وارد دهمین روز خود شد.

- روز ۲۸ آبان کارگران کشت و صنعت کارون (میرآب) در اعتراض به قراردادهای موقت کاری برای دومین روز در مقابل ورودی این شرکت تجمع کردند.

- روز ۲۸ آبان کارگران فضای سبز مناطق ۲ و ۳ خرم آباد در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق خود دست از کار کشیده و تجمع کردند.

- روز ۲۸ آبان کارگران اخراجی کارخانه آب معدنی داماش برای پایان دادن به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی خود بار دیگر تجمع کردند. این کارگران در ۲۶ آبان شکایت خود را در اداره کار شهرستان رودبار واقع در شهر منجیل در گیلان به ثبت رساندند. شمار این کارگران ۱۲ نفر است که بین ۱۵ تا ۲۰ سال سابقه کار دارند و با وجود ۴ ماه مزد معوقه به بهانه کاهش تولید کارخانه، در این فصل از سال عملا از کار بیکار شده و تامین و معاشی ندارند.

- روز ۲۸ آبان کارگران پتروشیمی گچساران اعتراض خود را به عدم رعایت پروتکل

برای آشنایی، ارسال خبر، گزارش، همکاری و عضویت در حزب کمونیست کارگری میتوانید با آدرس های زیر تماس بگیرید.

سایت حزب: www.wpiran.org

واتس اپ: ۰۲۲ ۷۴۳۵۵۶۲۴۴۲

تلگرام: @wpi_hkki

پیامکبر تلگرام: @wpi_tamas

اینستاگرام: wpi91

فیسبوک: www.facebook.com/wpiran





روز ۲۵ آبان مریبان حق التدریسی سازمان آموزش فنی حرفه ای با خواست استخدام در آموزش و پرورش و اعتراض به بلاتکلیفی کاری و معیشتی مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند. در این تجمع مریبان حق التدریسی با در دست داشتن بنرهایی و شعار دادن ها صدای اعتراضشان را بلند کردند. یکی از بنر ها با شعار نه به شکاف طبقاتی و تبعیض و بیعدالتی توجه ها را بخود جلب میکرد. این مریبان بین هشت تا ۲۷ سال سابقه کار دارند و در رابطه با خواستهایشان بارها تجمع کرده اند.

روز شنبه ۲۴ آبان ماه اعتصاب و تجمعات صدها کارگر پیمانی کشت و صنعت کارون پس از شش روز و با وعده کارفرما خاتمه یافت. کارگران در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت قراردادهای آنها به دائم،

تلخیصی از اطلاعیه های خبری حزب...

از سال عملا از کار بیگانه شده و تامین و معاشی ندارند.

روز ۲۵ آبان کارگران قرارداد موقت مناطق عملیاتی صنعت نفت خوزستان اعتراض خود را بخاطر به روز نکردن پرداخت مطالبات شان در سال جاری مبنی بر حق هزینه ایاب و ذهاب، علی الحساب کمک رفاهی و بند ده ترمیم تخصصی کارگران قرارداد موقت نفت توسط وزارت نفت علیرغم گذشت ۸ ماه، رسانه ای کردند. به گفته کارگران عدم افزایش این اقلام در حالی صورت گرفته است که سال گذشته نیز بابت آنها مبلغ ناچیزی پرداخت شد و این موضوع موجب اعتراض آنان گردید.

بدون درآمد و کم درآمد باید حقوق پایه ای ماهانه پرداخت شود و زندگی شان در حد قابل قبولی تامین شود. درمان رایگان، تحصیل رایگان برای همه کودکان و حق مسکن، حقوق پایه ای همه مردم است.

روز دوشنبه ۲۶ آبان کارگران اخراجی کارخانه آب معدنی داماش در ادامه تجمعات اعتراضی شان برای پایان دادن به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی شکایت خود را در اداره کار شهرستان رودبار واقع در شهر منجیل در گیلان به ثبت رساندند. شمار این کارگران ۱۲ نفر است که بین ۱۵ تا ۲۰ سال سابقه کار دارند و با وجود ۴ ماه مزد معوقه به بهانه کاهش تولید کارخانه، در این فصل

محروم هستند. در این کارخانه ۸۰۰ کارگر به کار اشتغال دارند.*

**پیش بسوی
اعتراضات سراسری
پیش بسوی
ایجاد شوراهای
حزب کمونیست
کارگری ایران**

۲۹ آبان ۱۳۹۹
۱۹ نوامبر ۲۰۲۰

تعویق پرداخت دستمزدها، سطح نازل دستمزدها و اجرای ناقص طرح طبقه بندی مشاغل و تبعیض در پرداخت ها دست به اعتصاب زده بودند. به گفته کارگران چندین سال است که آنها پیگیر این مطالبات هستند ولی پاسخی نگرفته اند. برخی از کارگران در این کارخانه حتی از دریافت بخشی از مزیای عرفی و قانونی خود

مدت سه روز در لاهه برگزار می شود و در آن گروهی از حقوقدانان بین المللی، سخنان خانواده های کشته شدگان، شاهدان و کارشناسان را استماع کرده و صدور حکم علیه جنایات جمهوری اسلامی را مورد بررسی قرار میدهند. در این دادگاه حمید صبی و رجینا پائولوس از شاهدان،

حمایت کمپین برای آزادی کارگران زندانی از تشکیل دادگاه برای رسیدگی به پرونده «قتل عام آبان ۹۸»

دادگاه بین المللی مردمی در لاهه در خصوص پرونده "کشتار معترضان آبان ۹۸" در بهمن ماه خبر دادند. بر اساس این خبر دادگاه بین المللی مردمی آبان به

سه سازمان عدالت برای ایران، حقوق بشر ایران، و سازمان بین المللی «با هم علیه اعدام» طی ابتکاری همزمان با سالگرد خیزش آبانماه از برگزاری یک

حضور در واحد اجرای احکام دادرسی اوین مجددا بازداشت گردید و جهت تحمل دوران محکومیت خود به بند زنان زندان اوین منتقل گردید و هم اکنون در زندان اوین بسر میبرد.

یک سیاست کثیف جمهوری اسلامی محاکمه زندانیان سیاسی در درون زندان و تمدید زمان محکومیت آنهاست. از جمله این موارد میتوان به محاکمه مجدد آتنا دامنی فعال دفاع از حقوق کودکان و زنان و همچنین محاکمه مجدد جعفر عظیم زاده رئیس اتحادیه آزاد کارگران و اسماعیل عبدی عضو هیئت اجرایی کانون صنفی معلمان اشاره کرد که برای هر کدام از آنها منتهای طولانی تری از زندان را تعیین کردند.

سپیده قلیان و همه

محاکمه مجدد سپیده قلیان در زندان



شخص سپیده قرار است محاکمه شود.

اشاره کنیم که سپیده قلیان در تاریخ ۳۰ دیماه ۹۷، توسط نیروهای امنیتی در رابطه با اعتراضات کارگران هفت تبه بازداشت و روز شنبه ۴ آبانماه ۹۸ با قرار وثیقه تا پایان مراحل دادرسی از زندان قرچک ورامین آزاد شد. او در آذرماه ۹۸ توسط دادگاه تجدیدنظر استان تهران به تحمل ۵ سال حبس تعزیری محکوم شد. وی نهایتاً روز یکشنبه ۱ تیرماه ۹۹ پس از

بنا به گزارشها جمهوری اسلامی قرار است سپیده قلیان را در حالیکه در زندان بسر میبرد مجددا به محاکمه بکشد. داستان از این قرار است که در بهمن سال ۹۸ سپیده قلیان از یک عنصر حکومتی بنام آمنه سادات ذبیح پور به دلیل نقضش در تهیه و پخش اعتراضات اجباری خود از صدا و سیما، شکایت کرده بود. اما این شکایت تنها ساعاتی بعد از تشکیل پرونده مختومه اعلام گردید و اکنون با شکایت این

زندانیان سیاسی باید بدون قید و شرط آزاد شوند. آزادی گری جمهوری اسلامی علیه زندانیان سیاسی تنها انزجار و خشم مردم را علیه حکومت تشدید میکند و کمکی به حکومت کثیف اسلامی نخواهد کرد.

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی
ادیتور: کاظم نیکخواه
مسئول فنی: مراد شیخی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه هامنتشر میشود



کمپین برای
آزادی کارگران زندانی

۲۷ آبان ۹۹
۱۷ نوامبر ۲۰۲۰

<http://free-them-now.com/>

shahla.daneshfar2@gmail.com

زندانی سیاسی
آزاد باید گردد

حزب کمونیست
کارگری ایران

۲۹ آبان ۱۳۹۹
۱۹ نوامبر ۲۰۲۰